



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

## درس‌ها، ابعاد و بایدهای دفاع مقدس

(بر اساس بیانات رهبر انقلاب از ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: دکتر امید جلوداریان

این پژوهش به بررسی، شاخص‌یابی و محوربندی بیانات رهبر انقلاب درباره دفاع مقدس در سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ اختصاص دارد. پیش از این بیانات رهبر انقلاب در این باره تا سال ۹۵ شاخص‌یابی و منتشر شده است.

دفاع مقدس از دیدگاه رهبر انقلاب، تضمین‌کننده حیثیت کشور، تامین‌کننده هویت، امنیت فعلی و عزت ملت، تامین‌کننده استقلال و آزادی امروز کشور و تامین‌کننده اقتدار کشور است.

رهبر معظم انقلاب دفاع مقدس را درس بزرگ ملت رشید ایران به دشمن می‌دانند و تاکید می‌کنند با تشریک مساعی همه ملت در دفاع از میهن، آنها از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آمدند. ایشان به انگیزه ملت ایران از هشت سال دفاع مقدس اشاره می‌کنند و این انگیزه را رشد معنوی و رفاه مادی در سایه اسلام بر می‌شمرند. رهبر انقلاب همچنین تاکید می‌کنند که در دفاع مقدس، جهاد بزرگ دینی و ملی ملت ایران محقق شد و در پی این جهاد، روح اعتماد به نفس ملی تقویت، استعدادها شکوفا، ظرفیت‌ها شناخته و پایه‌های پیشرفت‌های علمی نهاده شد.

رهبر انقلاب دوران دفاع مقدس را یکی از مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین جلوه‌گاه‌ها برای حوزه هنر کشور می‌دانند و بر لزوم تهیه فهرست از حوادث هشت سال دفاع مقدس و لزوم بیان و تبیین گنجینه عظیم حوادث دفاع مقدس در قالب آثار هنری تاکید می‌کنند. پردازش به ابعاد ناگفته دفاع مقدس و بیان جنبه‌های دفاع مقدس از نکاتی است که رهبر انقلاب بر آن تاکید می‌کنند. لزوم نشان دادن تصویر روشن رسواکننده نظام سلطه به دنیا در آن هشت سال، لزوم نشان دادن اهمیت و عمق قضایای دوران دفاع مقدس، لزوم ساختن فیلم درباره اخلاص و مجاهدت قهرمانان دفاع مقدس، لزوم راه اندازی نهضت ترجمه آثار مکتوب و نهضت صدور فیلم‌های خوب، لزوم انعکاس روح و عظمت پیام دفاع مقدس، لزوم توجه به تلاش دشمن برای به فراموشی سپردن یا زیرسوال بردن دفاع مقدس، لزوم بهره‌بردن از دفاع مقدس به عنوان ذخیره‌ای برای پیشرفت کشور و رشد ملی و لزوم واردکردن حوادث برجسته دوران مقدس به کتاب‌های درسی از جمله مواردی است که مورد نظر رهبر انقلاب است.

رهبر معظم انقلاب، همچنین جنگ تحمیلی را توطئه عظیم بین‌المللی قدرتمندترین قدرت‌های دنیا علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده می‌دانند و با اشاره به مقدس بودن دفاع در همه عرصه‌های سیاسی و علمی و فرهنگی و هنری، بر لزوم جاودانه نگهداشتن یاد حماسه دفاع مقدس تاکید می‌کنند.

ایشان همچنین معنویت را راز پیروزی در دفاع مقدس می‌دانند و معتقدند ایرانی که آن زمان دستش از ابزارهای متعارف نظامی خالی بود، با ابزار معنویت توانست پیروز شود.

رهبر انقلاب همچنین با اشاره به حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی از تجاوزگر در دوران دفاع مقدس، مقصود قدرت‌ها از آغاز جنگ را سرنگون کردن نظام اسلامی، متهم کردن نظام اسلامی به ناتوانی، اجبار نظام اسلامی به صرف نظر کردن از اصول خود، اجبار ایران به کوتاه آمدن در برابر سلطه‌های جهانی، اجبار ایران به سرسختی نکردن در مقابل اسرائیل و اجبار ایران به کوتاه آمدن در دفاع از مسلمین و مظلومان می‌دانند.

**مدیریت پژوهش‌های خبری**

**۱۴۰۰/۰۷/۰۳**

## **الف) جهاد، مقاومت و قرآن:**

- ۱- بشارت آمیز بودن ادبیات جهاد در قرآن
- ۲- تاکید قرآن بر استقامت

## **ب) هویت دفاع مقدس:**

- ۱- جنگ تحمیلی، توطئه عظیم بین‌المللی قدرتمندترین قدرت های دنیا علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده:
  - ۱-۱- آغاز شده با دشمنی دشمنان قدرتمند جهانی و با نیت از بین بردن انقلاب اسلامی
  - ۲-۱- پایان یافته به نفع ایران با عظمت و فداکاری جوانان ایرانی
- ۲- ریشه‌دارتر شدن نظام جمهوری اسلامی با دفاع مقدس
- ۳- تضمین شدن حیثیت، هویت و امنیت
- ۴- تامین شدن اقتدار، استقلال و آزادی کشور
- ۵- فتح الفتوح واقعی و قطعه‌ای از هویت برجسته ایرانیان:
  - ۵-۱- دفاع پیروزمندانه و پیروزی درخشان و واضح ملت ایران

## **ج) سه وظیفه در قبال دفاع مقدس:**

- ۱- ترسیم کردن وضع معادلات قدرت در دنیای حاکمیت سلطه:
  - ۱-۱- کمک کشورها به عراق برای برخورداری از مدرن‌ترین امکانات جنگی و محاصره همه جانبه ایران
  - ۲- تصویرگری دنیای ظالم، بی‌خبر از معنویات و انصاف آن زمان
  - ۳- زنده کردن مسائل دفاع مقدس و به هم زدن نقشه جامع استکبار برای ریشه‌کن کردن نهال معنوی جمهوری اسلامی

## **د) درس های دفاع مقدس :**

- ۱- توکل به خدا:
  - ۱-۱- توکل شگفت آور امام در آغاز جنگ و در هشت سال دفاع مقدس، با وجود همه مشکلات و کمبودها و فشارها
  - ۲- امید به آینده و اعتماد به جوانان
  - ۲-۱- حضور جوانان در مناصب فرماندهی و در بدنه عظیم بسیج و سپاه و ارتش، از شاخص‌های مهم دوران دفاع مقدس
  - ۳- عزم و اراده ملی
  - ۴- ایستادگی و مقاومت

## **دفاع مقدس:**

## ه) ابعاد ناگفته دفاع مقدس:

### ۱- علل وقوع جنگ:

- ۱-۱- عظمت و ابهت انقلاب و مرعوب شدن دشمنان
- ۲- کیفیت جنگ و دفاع رزمندگان:
  - ۲-۱- دفاع فوق العاده همراه با فداکاری، عزم و اراده قوی و باور به حقانیت خود و بطلان دشمن
  - ۲-۲- دفاع همراه با روحیه ابتکار و خلاقیت و توسل معنوی

## و) ابعاد پدیده دفاع مقدس:

### ۱- رهبری و فرماندهی شگفت انگیز امام از آغاز تا پایان دفاع مقدس (پدر مهربان و مدیر معنوی، آگاه و مسلط بر میدان):

- ۱-۱- شناخت ابعاد و حجم واقعی کارزار
- ۲-۱- آوردن ملت به صحنه دفاع مقدس با تشخیص حیاتی و درک عمیق
- ۳-۱- قاطعیت فوق العاده و بی نظیر در صدور فرمانها و پیش بردن کارها:
  - ۱-۳-۱- تأکید بر شکست حصر آبادان
  - ۲-۳-۱- تأکید بر آزادسازی خرمشهر
  - ۳-۳-۱- تأکید بر آزادسازی سوسنگرد
- ۴-۱- موضع گیری های هوشمندانه به اقتضای شرایط مختلف جنگ:
  - ۱-۴-۱- دادن روحیه به ملت و تحقیر دشمن در هنگام لازم
  - ۲-۴-۱- جلوگیری از آفت مخرب غرور در پیروزیها
  - ۳-۴-۱- دلگرمی دادن و تفقد رزمندگان در مواقع مورد نیاز
- ۲- پیروزی درخشان و روشن ملت ایران در جنگ تحمیلی:
  - ۱-۲- ناکامی دشمن در رسیدن به اهدافش:
  - ۱-۱-۲- ساقط کردن نظام اسلامی
  - ۲-۱-۲- سلطه مجدد بر ایران
  - ۳-۱-۲- تجزیه کشور
  - ۲-۲- ایستادگی ملت ایران مقابل قدرت های شرق و غرب و وابستگان به آنها
- ۳- دفاع مقدس از عقلانی ترین و مدبرانه ترین حرکات ملت ایران:
  - ۱-۳- تلاش برخی برای متهم کردن دفاع مقدس به بی تدبیری
  - ۲-۳- عقلانی بودن دفاع مقدس از آغاز تا پایان:
    - ۱-۲-۳- همکاری ارتش و سپاه
    - ۲-۲-۳- انتخاب تاکتیک های مبتکرانه و شجاعانه
    - ۳-۲-۳- اقدامات بزرگ و شگفت آور در عملیاتها
    - ۴-۲-۳- قبول قطعنامه
- ۴- مدل جدید و بی سابقه از حضور مردمی و بروز استعدادها در دفاع مقدس:
  - ۱-۴- شکل گیری شبکه عظیم مردمی:
    - ۱-۱-۴- حضور رزمندگان از چهارده ساله تا هفتادساله
    - ۲-۱-۴- حضور دختران دانش آموز دبستانی تا بانوان محترم
    - ۳-۱-۴- حضور قشرها و صنوف مختلف از پزشک و جراح و کشاورز و کارمند تا دانشجو و شاعر
  - ۲-۴- نقش آفرینی مردم و گروه های مختلف در پشت جبهه:
  - ۱-۲-۴- کمک های مالی مردمی

## دفاع مقدس:

## دفاع مقدس:

۲-۴- نقش آفرینی مردم و گروه‌های مختلف در پشت جبهه:

۱-۲-۴- کمک‌های مالی مردمی

۲-۲-۴- آذوقه‌رسانی به جبهه‌ها

۳-۲-۴- رسیدگی به مجروحان

۴-۲-۴- بدرقه و تشییع باشکوه شهیدان در شهرها

۵-۲-۴- حمایت‌های فرهنگی تبلیغاتی و مقابله با عملیات روانی دشمن

۶-۲-۴- پذیرایی و اسکان جنگ‌زدگان در شهرها

۷-۲-۴- مقاومت مردم در شهرهایی که آماج حملات موشکی رژیم بعث بودند

۳-۴- ظهور استعدادهای مهم:

۱-۳-۴- شهید حاج قاسم سلیمانی، جوان روستایی از کرمان

۲-۳-۴- شهید صیاد شیرازی، افسر جوانی که به فرماندهای مجرب تبدیل شد

۳-۳-۴- شهید بابایی، فرماندهای توانا و مجرب

۴-۳-۴- شهید باقری، روزنامه‌نگار داوطلب در کوران حوادث جبهه و تبدیل شدن

به نابغه اطلاعاتی

۴-۴- امکان استفاده از این مدل به عنوان ابزار اقتدار ملی

۵- بروز عالی‌ترین فضایل اخلاقی و معنوی و تعالی روحی در دفاع مقدس

به برکت اسلام و ایمان عمیق دینی

۶- سرمایه‌سازی دفاع مقدس برای کشور:

۱-۶- برقراری امنیت با توجه به دریافت دشمن از بالا بودن هزینه تعرض و تجاوز به

کشور

۲-۶- ایجاد روحیه خودباوری و حرکت به سمت نوآوری‌های فنی و علمی:

۱-۲-۶- پایه‌گذاری صنایع موشکی توسط شهید طهرانی مقدم و دوستانش در

شرایطی که هیچ کشوری به ایران موشک و تجهیزات نمی‌داد

۳-۶- ارتقای سرمایه انسانی کشور و جرئت پیدا کردن برای اجرای کارهای به

ظاهر نشدنی:

۱-۳-۶- اقدامات شگفت‌آور شهید سلیمانی در عرصه منطقه و دیپلماسی

۷- آشنایی بیشتر ملت ایران با ذات و واقعیت تمدن غرب:

۱-۷- آشکار شدن ماهیت دولت‌های غربی با حمایت کامل از حکومت فاسد،

ضدبشری و دیکتاتوری صدام

۸- بروز توانایی‌ها و ظرفیت‌های ملت ایران برای جهانیان:

۱-۸- آشکار شدن شجاعت ملت ایران

۲-۸- آشکار شدن وحدت ملت ایران

۳-۸- آشکار شدن همت و مقاومت ملی ایرانیان

## ز) بایدهای دفاع مقدس و چگونگی مواجهه با حوادث آن:

۱- لزوم احیای خاطره‌ها و حوادث دفاع مقدس و صد برابر کردن کارها در

زمینه ادبیات جنگ

۲- لزوم نشان دادن تصویر روشن رسواکننده نظام سلطه به دنیا در آن

هشت سال

۳- لزوم نشان دادن اهمیت و عمق قضایای دفاع مقدس و ساختن فیلم

درباره اخلاص و مجاهدت قهرمانان این عرصه

## دفاع مقدس:

۴- لزوم راه اندازی نهضت ترجمه آثار مکتوب و نهضت صدور فیلم‌های خوب

۵- لزوم مراقبت در خصوص تحریف واقعیات دفاع مقدس:

۱-۵- لزوم نزدیک شدن معرفتی به دفاع مقدس با وجود دورشدن از زمان آن

۲-۵- لزوم بهره‌گیری از سرچشمه جوشان ادبیات دفاع مقدس:

۱-۲-۵- تأکید بر تولید متون فاخر ادبی به‌عنوان منابع غنی برای خلق آثار هنری

۲-۲-۵- لزوم شخصیت‌پردازی از شهیدان و رزمندگان جنگ

۳-۲-۵- تأکید بر یادواره‌های دفاع مقدس برای جلوگیری از ایجاد فاصله نسلی در مقوله جهاد و مقاومت

۶- لزوم درک و انعکاس روح و عظمت پیام دفاع مقدس

۷- لزوم توجه به تلاش دشمن برای به فراموشی سپردن یا زیرسوال بردن دفاع مقدس

۸- لزوم بهره‌بردن از دفاع مقدس به عنوان ذخیره‌ای برای پیشرفت کشور و رشد ملی

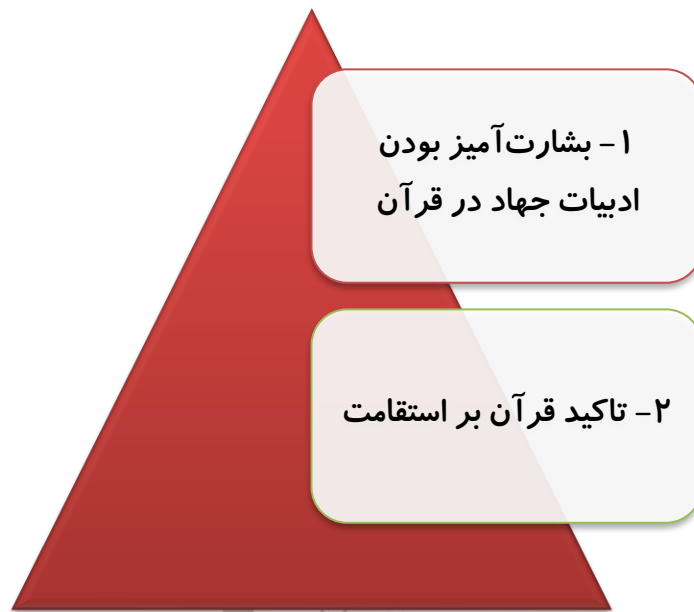
۹- ضرورت استفاده از ظرفیت‌های دفاع مقدس برای آمادگی در میدان‌های پیش روی ملت

۱۰- لزوم وارد کردن حوادث برجسته دوران مقدس به کتاب‌های درسی

۱۱- لزوم درک عظمت کار رزمندگان دفاع مقدس و هم‌زمان شهیدشان

۱۲- لزوم درک شایسته عظمت میدان دفاع مقدس و چرایی و چگونگی این قطعه مهم از تاریخ ایران

۱۳- لزوم تکریم پیشکسوتان و رزمندگان



ب) هویت دفاع مقدس:

۱- جنگ تحمیلی، توطئه عظیم بین‌المللی قدرتمندترین قدرت‌های دنیا علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده:

- ۱-۱- آغاز شده با دشمنی دشمنان قدرتمند جهانی و با نیت از بین بردن انقلاب اسلامی
- ۱-۲- پایان یافته به نفع ایران با عظمت و فداکاری جوانان ایرانی

۲- ریشه‌دارتر شدن نظام جمهوری اسلامی با دفاع مقدس

۳- تضمین شدن حیثیت، هویت و امنیت

۴- تامین شدن اقتدار، استقلال و آزادی کشور

۵- فتح الفتوح واقعی و قطعه‌ای از هویت برجسته ایرانیان:

- ۵-۱- دفاع پیروزمندانه و پیروزی درخشان و واضح ملت ایران

### ج) سه وظیفه مهم در قبال دفاع مقدس:

۱- ترسیم کردن وضع معادلات قدرت در دنیای حاکمیت سلطه:  
۱-۱- کمک کشورها به عراق برای برخورداری از مدرن ترین امکانات جنگی و محاصره همه جانبه ایران

۲- تصویرگری دنیای ظالم، بی‌خبر از معنویات و انصاف آن زمان

۳- زنده کردن مسائل دفاع مقدس و به هم زدن نقشه جامع استکبار برای ریشه کن کردن نهال معنوی جمهوری اسلامی

پژوهش  
تجزی  
معاونت‌ساز  
صد او ستا

### د) درس های دفاع مقدس :

۱- توکل به خدا:  
۱-۱- توکل شگفت آور امام در آغاز جنگ و در هشت سال دفاع مقدس، باوجود همه مشکلات و کمبودها و فشارها

۲- امید به آینده و اعتماد به جوانان  
۲-۱- حضور جوانان در مناصب فرماندهی و در بدنه عظیم بسیج و سپاه و ارتش، از شاخص‌های مهم دوران دفاع مقدس

۳- عزم و اراده ملی

۴- ایستادگی و مقاومت



ه) ابعاد ناگفته دفاع مقدس:



و) ابعاد پدیده دفاع مقدس:



۲-۱-۱- ساقط کردن نظام اسلامی

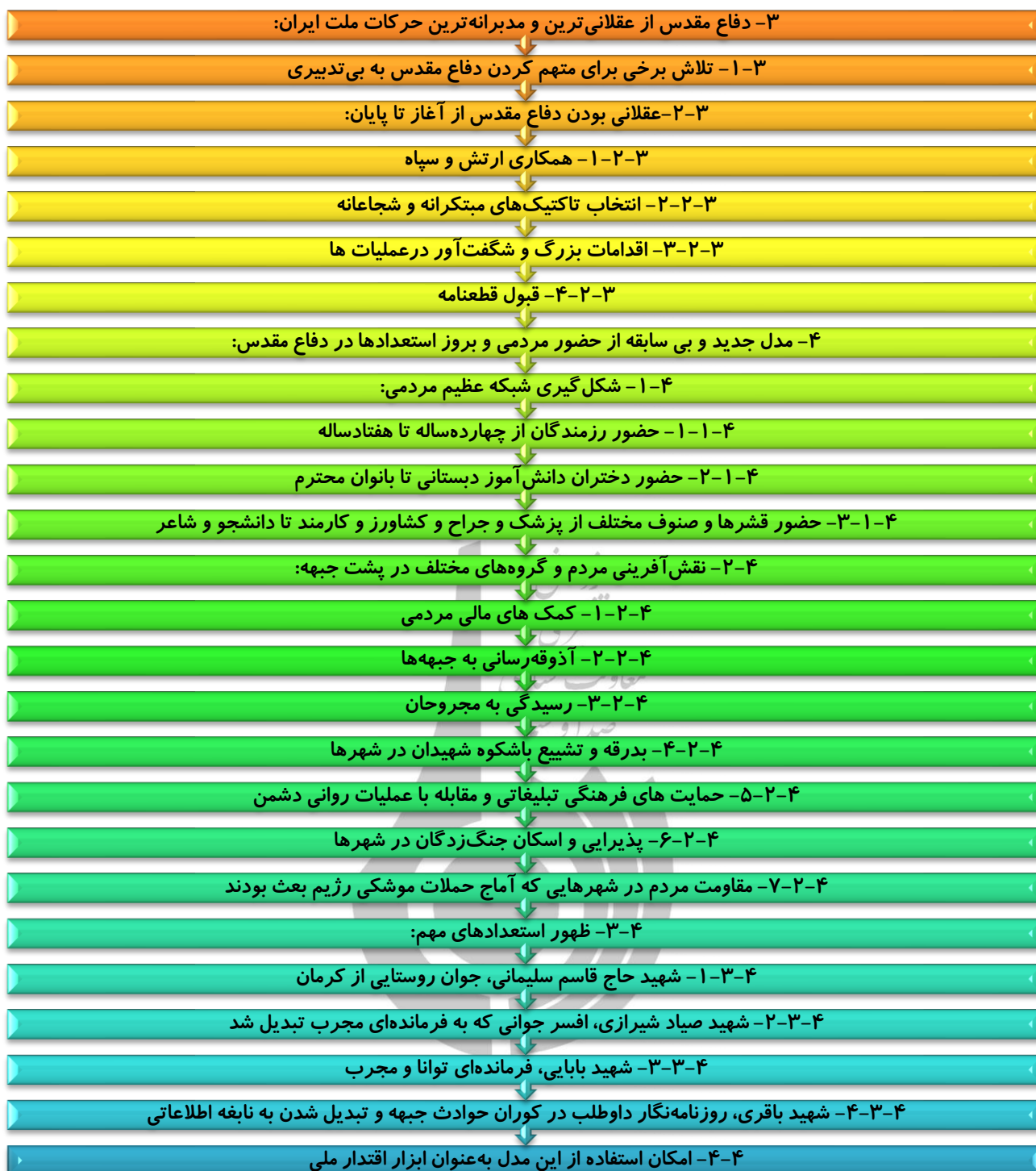
۲-۱- ناکامی دشمن در رسیدن به اهدافش:

۲- پیروزی درخشان و روشن ملت ایران در جنگ تحمیلی:

۲-۲- ایستادگی ملت ایران مقابل قدرت‌های شرق و غرب و وابستگان به آنها

۲-۱-۳- پیشگیری از تجزیه کشور

۲-۱-۲- سلطه مجدد بر ایران



۵- بروز عالی‌ترین فضایل اخلاقی و معنوی و تعالی روحی در دفاع مقدس به برکت اسلام و ایمان عمیق دینی

۶- سرمایه‌سازی دفاع مقدس برای کشور:

- ۱-۶- برقراری امنیت با توجه به دریافت دشمن از بالابودن هزینه تعرض و تجاوز به کشور
- ۲-۶- ایجاد روحیه خودباوری و حرکت به سمت نوآوری‌های فنی و علمی:
- ۱-۲-۶- پایه‌گذاری صنایع موشکی توسط شهید طهرانی‌مقدم و دوستانش در شرایطی که هیچ کشوری به ایران موشک و تجهیزات نمی‌داد
- ۳-۶- ارتقای سرمایه انسانی کشور و جرئت پیدا کردن برای اجرای کارهای به ظاهر نشدنی:
- ۱-۳-۶- اقدامات شگفت‌آور شهید سلیمانی در عرصه منطقه و دیپلماسی

۷- آشنایی بیشتر ملت ایران با ذات و واقعیت تمدن غرب:

- ۱-۷- آشکار شدن ماهیت دولت‌های غربی با حمایت کامل از حکومت فاسد، ضدبشری و دیکتاتوری صدام

۸- بروز توانایی‌ها و ظرفیت‌های ملت ایران برای جهانیان:

- ۱-۸- آشکار شدن شجاعت ملت ایران
- ۲-۸- آشکار شدن وحدت ملت ایران
- ۳-۸- آشکار شدن همت و مقاومت ملی ایرانیان

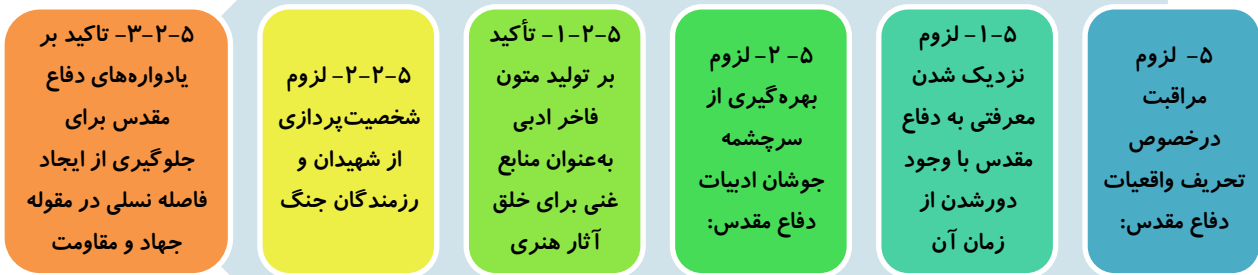
ز) بایدهای دفاع مقدس و چگونگی مواجهه با حوادث آن:

۴- لزوم راه‌اندازی نهضت ترجمه آثار مکتوب و نهضت صدور فیلم‌های خوب

۳- لزوم نشان دادن اهمیت و عمق قضایای دفاع مقدس و ساختن فیلم درباره اخلاص و مجاهدت قهرمانان این عرصه

۲- لزوم نشان دادن تصویر روشن رسواکننده نظام سلطه به دنیا در آن هشت سال

۱- لزوم احیای خاطره‌ها و حوادث دفاع مقدس و صدبرابر کردن کارها در زمینه ادبیات جنگ



مستندات	مهم ترین محور ها	موضوع	ردیف
<p>- « حقیقتاً صمیمانه و از ته دل متشکرم از کسانی که شب خاطره، ماجرای خاطره نویسی، ماجرای خاطره گویی و جریان احیای حوادث دوران دفاع مقدس را زنده نگه داشته اند؛ واقعاً متشکرم؛ کارشان بسیار کار بزرگی است. ... خوب حالا ما چقدر خاطره داریم؟ چقدر قصه داریم؟ ما چند صد هزار رزمنده داشتیم و هر کدام از اینها یک مجموعه‌ی خاطره‌اند. هر کدام از اینها افرادی دوست و رفیق و خانواده و پدر و مادر و همسر و مانند اینها داشتند که هر کدام از آنها راجع به این رزمنده یک صندوقچه‌ی خاطره‌اند. بعضی از این صندوقچه‌ها متأسفانه در این سی سال، سی و چند سال، ناگشوده زیر خاک رفته، از دسترس ما خارج شده؛ حیف! حیف! این کسانی که به فکر می‌افتند - امروز به فکر می‌افتند، دیروز به فکر افتادند- که خاطره‌ی خودشان را بنویسند یا کسانی که فکر افتادند برونند از پدرها، مادرها، همسرها خاطره بگیرند، اینها دارند در واقع جلوی یک ضایعات مهم و خسارت‌بار را می‌گیرند و نمی‌گذارند ضایع بشود؛ دارند احیا می‌کنند این گنجینه‌های پُرازش را، گنجینه‌های بی‌بدیل را. اینها سرمایه‌ی ملتند؛ هم آدم‌هایشان سرمایه‌ی ملت بودند، همین‌هایی که مانده‌اند - از جانباز و آزاده و رزمنده‌ی سابق و مانند اینها- هم خاطراتشان سرمایه‌های مردم هستند. خوب، دفاع مقدس جنبه‌های مختلفی دارد. یک جنبه‌ی دفاع مقدس این است که ترسیم‌کننده‌ی وضع معادلات قدرت در دنیای حاکمیت سلطه است - دنیای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر- دفاع مقدس این است. شما و دیگر رزمندگان در طول این هشت سال توانستید یک تصویری از دنیای زمان خودتان، دنیای دیوانه، دنیای وحشی، دنیای ظالم، دنیای بی‌خبر از معنویات، بی‌خبر از انصاف به وجود بیاورید و ثبت کنید. چطور چنین تصویری را شما به وجود آوردید با عمل خودتان؟ برای خاطر اینکه با یک طرفی روبه‌رو شدید که [طرف ما] سیم خاردار نمی‌توانست بیاورد - که این اطلاع بنده است که گفتند و این جور بود- سیم خاردار می‌خواستیم بیاوریم، غیر از اینکه آن فروشنده نمی‌فروخت، آن کشوری هم که باید این سیم خاردار از داخلش عبور می‌کرد، با ما همراهی نمی‌کرد، اجازه نمی‌داد. یک طرف ما بودیم، یک طرف هم مدرن‌ترین وسایل جنگی آن روز را در اختیار داشت با کمیت بالا. لشکر ۹۲ اهواز، کمتر از بیست تانک داشت! یعنی در واقع یک‌هفتم یا یک‌هشتم استعداد سازمانی تانک، [در جایی که] گردان باید چهل و چند تانک میداشت. آن لشکری که ما دیدیم، یعنی آن تیبی که در اهواز مستقر بود، کمتر از بیست تانک داشت. آن طرف مقابل وقتی تانکش در جاده می‌خورد، بولدوزر را می‌فرستاد و تانک را می‌انداخت آن طرف جاده که راه را باز کند؛ اصلاً برایش اهمیتی نداشت. هر چه دلش می‌خواست می‌توانست [داشته باشد]؛ از امکانات زمینی، امکانات هوایی، امکانات دریایی، انواع و اقسام مهمات؛ حتی اجازه داشت سلاح شیمیایی مصرف کند. ببینید الان برای تهمت سلاح شیمیایی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها چه جارو جنگالی در دنیا راه می‌اندازند، چه قرشمال‌بازی‌ای درست می‌کنند! آن روز رژیم صدام اجازه داشت سلاح شیمیایی مصرف کند؛ نه فقط در جبهه [بلکه] در شهر. سردشت، هنوز هم گرفتار است. اطراف سردشت هنوز گرفتار عوارض شیمیایی است. ببینید این وضع دنیای آن روز بود؛ نشان‌دهنده‌ی این بود که دنیا چه خبر است، تقسیم‌بندی دنیا چگونه است، معادله‌ی قدرت در دنیا چگونه است؛ این را جنگ، دفاع مقدس، این هشت سال، این فداکاری‌های رزمندگان ثبت کرد. همین کشور فرانسه و همین کشور آلمان و بقیه‌ی کشورها -حالا دیگران به جای خود- بودند که کمک می‌کردند، شوروی آن روز هم از یک طرف. علاوه بر اینها، ما در محاصره‌ی اقتصادی که بودیم هیچ، در محاصره‌ی سیاسی که بودیم هیچ، در محاصره‌ی سخت تبلیغاتی هم بودیم؛ یعنی صدای ما واقعاً به هیچ جا نمی‌رسید، رسانه‌های دنیا در مشت صهیونیست‌ها و در اختیار آنها بود، آنهایی که دشمن بودند؛ نه اینکه طرفدار صدام باشند، دشمن نظام اسلامی بودند و هر چه می‌توانستند علیه ما می‌گفتند و صدای ما به جایی نمی‌رسید؛ یک چنین وضعی را ما داشتیم. خوب سؤال من این است چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند که دولت‌هایشان در دوران آن هشت سال چه کردند با ملتی به نام ملت ایران؟</p>	<p><b>الف) جهاد، مقاومت و قرآن:</b>  <b>۱- بشارت آمیز بودن ادبیات جهاد در قرآن</b>  <b>۲- تاکید قرآن بر استقامت</b></p> <p><b>ب) هویت دفاع مقدس:</b>  <b>۱- جنگ تحمیلی، توطئه عظیم بین‌المللی قدرت‌مندترین قدرتهای دنیا علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده:</b>  <b>۱-۱- آغاز شده با دشمنی دشمنان قدرتمند جهانی و با نیت از بین بردن انقلاب اسلامی</b>  <b>۱-۲- پایان یافته به نفع ایران با عظمت و فداکاری جوانان ایرانی</b>  <b>۲- ریشه‌دار تر شدن نظام جمهوری اسلامی با دفاع مقدس</b>  <b>۳- تضمین شدن حیثیت، هویت و امنیت</b>  <b>۴- تامین شدن اقتدار، استقلال و آزادی کشور</b>  <b>۵- فتح الفتوح واقعی و قطع‌های از هویت</b></p>	<p><b>دفاع مقدس:</b></p>	<p>۱</p>

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>چرا ندانند؟ الان نمی‌دانند، و این کوتاهی ما است. الان دنیا این تصویر روشن شفاف رسواکننده‌ی نظام سلطه را که ما به وجود آورده‌ایم، در مقابل خودش نمی‌بیند؛ چرا؟ این کوتاهی ما است و ما باید تلاش کنیم در این زمینه. ما در ادبیات‌مان، در سینمای‌مان، در تئاترمان، در تلویزیون‌مان، در روزنامه‌نگاری‌مان، در فضای مجازی‌مان بسیاری از کارها را باید انجام بدهیم درباره‌ی دفاع مقدّس که انجام نداده‌ایم؛ هرچا هم که انجام دادیم و متعهدانه انجام دادیم، ولو در حجم کم و نسبت به مجموع کاری که باید انجام بدهیم، اندک [بوده] اما تأثیرگذار بوده. همین فیلم اخیر آقای حاتمی‌کیا در سوریه، در هر جایی که پخش شد، مورد استقبال قرار گرفت؛ چرا در اروپا پخش نشود؟ چرا در کشورهای آسیا پخش نشود؟ چرا مردم اندونزی و مالزی و پاکستان و هندوستان ندانند که چه اتفاقی در این منطقه افتاده و ما با چه کسی طرف بودیم؟ این تازه مال این قضایای اخیر است؛ اهمیت و عمق و گسترتش قضایای دوران دفاع مقدّس به مراتب بیشتر از اینها است. در جشنواره‌های غربی، فیلم‌های ایرانی را بعضاً می‌برند نشان می‌دهند؛ فیلم‌هایی که از لحاظ کیفیت حرفه‌ای به مراتب پایین‌تر از بسیاری از فیلم‌هایی است که برای دفاع مقدّس یا برای انقلاب ساخته می‌شود. می‌روند با به‌به و چه‌چه آنها را نشان می‌دهند [اما] یک دانه فیلم دفاع مقدّس را اینها نشان نمی‌دهند؛ چرا؟ معلوم می‌شود که می‌ترسند. می‌ترسند از اینکه این تصویر افشاگر به اطلاع مردم دنیا برسد و افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار بدهد؛ می‌ترسند. پس این سلاح کارآمدی است، این امکان بزرگی است در اختیار ما؛ چرا از این امکان استفاده نمی‌کنیم؟ خود ما باید دست به کار بشویم، برای قهرمان‌هایمان باید فیلم بسازیم. ما قهرمان‌هایی داریم؛ همت قهرمان است، باکری قهرمان است، خرازی قهرمان است؛ رؤسا و فرماندهان قهرمانند؛ بعضی از این زنده‌ها قهرمانند. این جور نیست که اخلاص و مجاهدت اینهایی که زنده مانده‌اند، کمتر باشد از آن کسانی که رفته‌اند؛ نه، خدای متعال اینها را ذخیره کرده، نگه داشته. خدا کار دارد با اینها؛ بسیاری‌شان این‌جوری هستند. این چهره‌ها باید معرفی بشوند، باید دنیا این چهره‌ها را بشناسد، عظمت اینها را بفهمد، بداند. یک نهضت ترجمه‌ی آثار مکتوب خوب باید راه بیفتد؛ نهضت ترجمه‌ی آثار خوب. خوشبختانه آثار خوب مکتوب کم نداریم. بنده تا آنجایی که وقت کنم و دستم برسد، دلم می‌خواهد بخوانم و می‌خوانم. آثار بسیار خوبی تولید شده و انصافاً جا دارد که ترجمه بشود؛ اینهایی که تا حالا به وجود آمده. یک نهضت ترجمه راه بیندازیم؛ نه ترجمه‌ی از بیرون؛ ترجمه‌ی به بیرون، برای ارائه‌ی آنچه هست. بگذارید بدانند در آبادان چه گذشت، در خرمشهر چه گذشت، در جنگ‌ها چه گذشت، در روستاهای ما چه گذشت. بر این شرح حالی که برای این خانم کرمانشاهی (۶) -فرنگیس- نوشته‌اند، من یک حاشیه‌ای آنجا نوشتم؛ در آن حاشیه نوشتم ما واقعاً نمی‌دانستیم در روستاهای منطقه‌ی جنگی چه حوادثی اتفاق افتاده. من بارها این را گفته‌ام؛ این تابلو، تابلوی زیبایی است اما از دور دیده‌ایم این تابلو را؛ هرچه انسان به این تابلو نزدیک‌تر بشود، ریزه‌کاری‌های این تابلو را ببیند، بیشتر شگفت‌زده می‌شود. این حوادث نوشته شده، بگذارید مردم دنیا اینها را بدانند. ترجمه‌ی به عربی، ترجمه‌ی به انگلیسی، ترجمه‌ی به فرانسه، ترجمه‌ی به اردو، ترجمه‌ی به زبان‌های زنده‌ی دنیا. بگذارید صدها میلیون انسان بفهمند، بدانند که در این منطقه چه گذشته، ما چه می‌گوییم، ملت ایران کیست؛ اینها معرّف ملت ایران است. نهضت ترجمه‌ی کتاب، نهضت صدور فیلم‌های خوب؛ ارشاد مسئولیت دارد، سازمان فرهنگ و ارتباطات مسئولیت دارد، صداوسیما مسئولیت دارد، وزارت خارجه مسئولیت دارد، و دستگاه‌های گوناگون. اگر چنانچه شما امروز به جمع‌آوری و افزودن بر سرمایه‌ی خاطرات جنگ رو نیاورید، دشمن میدان را از شما خواهد گرفت؛ این یک خطر است؛ من دارم به شما می‌گویم. جنگ را شما روایت کنید که خودتان در جنگ بوده‌اید؛ اگر شما جنگ را روایت نکردید، دشمن شما جنگ را روایت خواهد کرد آن‌طور که دلش می‌خواهد. از یک ضعف‌هایی هم استفاده می‌کنند -البته هر حرکت نظامی و غیرنظامی ممکن است ضعف‌هایی داشته باشد که حتماً دارد؛ از اینها استفاده می‌کنند- و طبق میل خودشان می‌سازند. ما باید در این زمینه خیلی احساس وظیفه کنیم،</p>	<p><b>برجسته ایرانیان:</b></p> <p>۱-۵- دفاع پیروزمندانانه و پیروزی درخشان و واضح ملت ایران</p> <p><b>(ج) سه وظیفه در قبال دفاع مقدس:</b></p> <p>۱- ترسیم کردن وضع معادلات قدرت در دنیای حاکمیت سلطه:</p> <p>۱-۱- کمک کشورها به عراق برای برخورداری از مدرن‌ترین امکانات جنگی و محاصره همه جانبه ایران</p> <p>۲- تصویرگری دنیای ظالم، بی‌خبر از معنویات و انصاف آن زمان</p> <p>۳- زنده کردن مسائل دفاع مقدس و به هم زدن نقشه جامع استکبار برای ریشه کن کردن نهال معنوی جمهوری اسلامی</p> <p><b>(د) درس‌های دفاع مقدس:</b></p> <p>۱- توکل به خدا:</p> <p>۱-۱- توکل شگفت آور امام در آغاز جنگ و در هشت سال دفاع مقدس،</p>		

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>خیلی کار کنیم. در روایت دفاع مقدّس باید روح و عظمت پیام این دفاع خودش را نشان بدهد. این دفاع مقدّس در مجموع، یک روح واحد و یک زبان واحد و یک پیام واحدی دارد؛ این باید منعکس بشود؛ آن پیام و روح، روح ایمان است، روح ایثار است، روح دلدادگی است، روح مجاهدت است، پیام شکست‌ناپذیری ملّتی است که نوجوان‌هایش هم مثل جوان‌ها و مثل مردهای میان‌سال و مثل پیرمردها با شوق و ذوق می‌روند داخل میدان و می‌جنگند؛ این خیلی مهم است. در همان وقتی که جوان‌های معمول دنیای مادّی، هیجان‌های خودشان را به یک شکل‌های دیگری فرومی‌نشانند، جوان شانزده هفده ساله‌ی ما می‌رود در میدان جنگ، این هیجان جوانی را با جهاد در راه خدا اشباع می‌کند و تأمین می‌کند؛ اینها خیلی مهم است، اینها خیلی ارزش است. جنگ البته چیز سختی است، چیز تلخی است؛ بعضی از دوستان هم اینجا اشاره کردند که جنگ تلخ است؛ بله، لکن از همین حادثه‌ی تلخ، پیام بهجت و عظمت و نشاط را قرآن بیرون می‌کشد. شما ببینید، کشته شدن، از دنیا رفتن از نظر همه‌ی مردم دنیا، یعنی اغلب مردم دنیا، یک فقدان است، یک از دست دادن است اما قرآن چه می‌گوید؟ قرآن می‌گوید: <b>وَيَسْتَبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ</b>؛ از کشته شدن، از مردن، از عبور از این دنیا، از محروم شدن از زندگی، یک پیام نشاط بیرون می‌کشد، پیام بهجت بیرون می‌کشد، پیام بشارت بیرون می‌کشد؛ <b>وَيَسْتَبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ</b>. عزیزان من، برادران خوب، خواهان خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، و آلا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد به برکت صدای شهیدان؛ این حزن و خوف ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد. این کار را به‌طور جدّی دنبال کنید؛ هم حوزه‌ی هنری، هم وزارت ارشاد، هم دستگاه‌های گوناگون دیگر. بعضی از دستگاه‌ها را دیدم در شهرهای مختلف [آورد میدان شده‌اند]؛ همین اواخر کتابی خواندم از قزوین، کتابی خواندم از مشهد، کتابی خواندم از شاهین‌شهر از آقای بلوری. همه -آدم‌ها، جوان‌ها، انگیزه‌دارها، دل‌دارها- همین‌طور در زمینه‌های مختلف، از اطراف این کشور وارد این میدان می‌توانند بشوند و شده‌اند؛ این را تبدیل کنید به صد برابر. اینکه می‌گویم صد برابر، بنده معمولاً اهل مبالغه‌گویی نیستیم؛ به‌معنای واقعی کلمه آنچه امروز دارد انجام می‌گیرد در زمینه‌ی ادبیات جنگ، ادبیات دفاع مقدّس و کارهای هنری‌ای که روی دفاع مقدّس می‌شود و کارهای ادبیاتی که روی دفاع مقدّس می‌شود، باید صد برابر بشود؛ آن وقت می‌توانیم در این زمینه احساس توفیق بکنیم. ان‌شاءالله بتوانیم از این طریق، نقشه‌ی جامع استکبار را به هم بزنییم. نقشه‌ی استکبار از روز اوّل این بود که در این دنیایی که همه‌ی ماده‌پرستان عالم، همه‌ی غرق‌شدگان در لجنزار مادّیت، صهیونیست‌ها و دیگران دست‌به‌دست هم داده بودند و یک دنیای مادّی محض درست کرده بودند که روزه‌روز از معنویات دور می‌شد، سعی داشتند یک نهالی را که از سرزمین معنوی روییده با میوه‌های بشارت‌دهنده‌ی معنویت بکنند، این را قلع کنند، ریشه‌کن کنند؛ همه‌ی استکبار. روزهای اوّل هم خیال می‌کردند کار آسانی است؛ صدام را هم که به جان جمهوری اسلامی انداختند، با همین امید بود. و خب توی دهن‌شان خورد، سیلی خوردند، عقب‌نشینی کردند؛ [اما] دارند تلاش می‌کنند. ما می‌توانیم این تلاش را، این نقشه را با همّت خودمان، با توکل خودمان، با اعتماد خودمان به فضل الهی باطل کنیم؛ تا حالا هم باطل کرده‌ایم، ان‌شاءالله بعد از این هم بکلی باطل خواهیم کرد این نقشه را. یکی از راه‌هایش همین است که شما این مسائل دفاع مقدّس را زنده کنید<sup>۱</sup>.</p> <p>«امروز انگیزه‌هایی وجود دارد از سوی دشمنان این ملّت برای به فراموشی سپردن دوران دفاع مقدّس؛ تلاش می‌کنند برای این کار، که یا آن را به فراموشی بسپردند یا آن را زیر سؤال</p>	<p>باوجود همه مشکلات و کمبودها و فشارها</p> <p><b>۲- امید به آینده و اعتماد به جوانان</b></p> <p><b>۱-۲- حضور جوانان در مناصب فرماندهی و در بدنه عظیم بسیج و سپاه و ارتش، از شاخص‌های مهم دوران دفاع مقدس</b></p> <p><b>۳- عزم و اراده ملی</b></p> <p><b>۴- ایستادگی و مقاومت</b></p> <p><b>ه) ابعاد ناگفته دفاع مقدس:</b></p> <p><b>۱- علل وقوع جنگ:</b></p> <p><b>۱-۱- عظمت و ابهت انقلاب و مرعوب شدن دشمنان</b></p> <p><b>۲- کیفیت جنگ و دفاع رزمندگان:</b></p> <p><b>۱-۲- دفاع فوق‌العاده‌همراه با فداکاری، عزم و اراده قوی و باور به حقانیت خود و بطلان دشمن</b></p> <p><b>۲-۲- دفاع همراه با روحیه ابتکار و خلاقیت و توسّلات معنوی</b></p> <p><b>و) ابعاد پدیدۀ دفاع مقدس:</b></p>		

<sup>۱</sup> . بیانات رهبر انقلاب در مراسم شب خاطره دفاع مقدس ۱۳۹۷/۰۷/۰۴

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>ببرند یا بدنامش کنند. امروز به‌وسیله‌ی قدرتمندان دشمن ایران برای این کار پول خرج می‌شود برای اینکه آن را به فراموشی بسپارند. کاری که شما دارید می‌کنید، یک مبارزه‌ی مردمی عظیمی است در مقابل کاری که دشمن می‌کند. تاریخ و دوران دفاع مقدّس، یک ذخیره است که از این ذخیره بایستی برای پیشرفت کشور، برای رشد ملّی، برای آمادگی در میدان‌های فراوانی که هر ملّتی در مقابل خود دارد، استفاده کرد. خب، حرف در مورد دفاع مقدّس خیلی زیاد است؛ این را به شما عرض بکنم. تا امروز کتاب نوشته‌اند، خاطره نوشته‌اند، فیلم ساخته‌اند، بسیاری‌اش هم بسیار خوب و واقعاً ارزشمند است، اما ابعاد گوناگونی در مسئله‌ی دفاع مقدّس هست که هنوز ناگفته است، هنوز تحقیق نشده است، هنوز کار نشده است، پکر مانده است. من به دو قسمت از این ابعاد گوناگون، امروز برای شما جوانان عزیز یک اشاره‌ی کوتاه می‌کنم: یک قسمت مربوط به عامل این جنگ و آن علّتی که موجب شد ایران مورد این تهاجم قرار بگیرد؛ دوّم، کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملّت ایران در این جنگی که بر او تحمیل شده بود. عرض کردم، مجموعش را که نگاه می‌کنید، این جنگ تحمیلی، این دفاع، آن بدخواهی‌ها، آن خباثت‌ها که از طرف دشمن انجام گرفت، آن شجاعت‌ها، آن مظلومیت‌ها که از طرف ملّت ایران صورت گرفت، همه‌ی اینها در مجموع یک لطف الهی بود، اما بالاخره اینها بایستی تحلیل بشود، باید شناخته بشود؛ این دو نقطه را من امروز خیلی مختصر برای شما جوانان عزیز عرض می‌کنم. نقطه‌ی اوّل این است که عامل ایجاد این جنگ چه بود؟ چطور شد که ناگهان ملّت ایران که به این همسایه‌ی غربی خود کاری نداشت، تعرّضی نداشت، مورد تهاجم قرار گرفت و این تهاجم هشت سال طول کشید؛ علّت چه بود؟ علّت، عظمت انقلاب بود، آهت انقلاب بود. وقتی انقلاب اسلامی به وجود آمد، عظمت این انقلاب و آهت این انقلاب، دشمنان قدرتمند جهانی را ترساند، مرعوب کرد؛ این یک واقعیت است. آن کسانی که بر تخت قدرت مسلّط بر همه‌ی دنیا نشستند بودند و همه‌ی دنیا را تهدید می‌کردند و از هیچ‌کس نمی‌ترسیدند، یعنی قدرتمندان سرمایه‌داری غرب، در رأس‌شان آمریکا و بعد هم اروپا - کشورهای اروپایی واقعاً خود را در اوج قدرت و اقتدار مشاهده می‌کردند - و البته در آن طرف، شوروی - که آن را هم عرض خواهم کرد - همین قدرتمندانی که خود را در اوج قدرت مشاهده می‌کردند، با وقوع انقلاب اسلامی در کشور، تخت قدرت اینها به لرزه درآمد، دنیا برای اینها زلزله شد؛ واقعاً مرعوب شدند؛ نمی‌توانستند درست تحلیل کنند که این پدیده چیست که در ایران اتفاق افتاده است. در دنیای مادّی، در دنیای بی‌دینی، در دنیای بی‌اعتنائی به فضیلت‌ها، در دنیای بی‌اعتنائی به اسلام بخصوص، در یک کشوری که همه‌ی خواسته‌های غرب را حکام آن کشور مویه‌مو دارند اجرا می‌کنند، ناگهان یک انقلابی درست برخلاف خواسته‌ی آنها و بر ضدّ اهداف مادّی و شهوت‌رانی و دنیاطلبی آنها به وقوع پیوندد بر اساس اسلام، بر اساس دین، بر اساس فضیلت؛ [این] برایشان اصلاً قابل فهم نبود که جوان‌ها بدون سلاح بیایند به میدان و در مقابل سلاح بایستند؛ هم دانشجو بیاید، هم دانش‌آموز بیاید - میدانید؛ یکی از عرصه‌های مهمّ مبارزات خونین این کشور، حضور دانش‌آموزان بود که در سیزدهم آبان دانش‌آموزها آمدند؛ بحث دانشجو و بحث مردان بزرگ و مانند اینها نبود؛ بچه‌های دبیرستانی و بعضاً کوچک‌تر از آنها - تا پیرمردها، تا قشرهای مختلف، در همه‌ی شهرها، در همه‌ی روستاها آمدند به میدان. این اصلاً اینها را متعجّب کرده بود که این چه پدیده‌ای است که به وجود آمده؛ [لذا] مرعوب شدند. خب، هرچه گذشت، این حیرتی که اینها داشتند، تبدیل شد به مرعوب شدن بیشتر؛ یعنی هرچه زمان گذشت، خاطر اینها نه فقط آسوده نشد، بلکه مشکلات‌شان، نگرانی‌های‌شان، دغدغه‌های‌شان افزوده شد؛ چرا؟ برای خاطر اینکه دیدند این انقلاب در بین ملّت‌های مسلمان در همه‌ی دنیا مورد استقبال قرار گرفت؛ در کشوری که رؤسای آن کشورها وابسته‌ی به آمریکا بودند، ملّت‌ها در همان کشورها به نفع انقلاب اسلامی شعار دادند. سال ۵۸ و ۵۹ در اوّل انقلاب، تقریباً در همه‌ی کشورهای اسلامی به نفع انقلاب اسلامی حرف زدند و شعار دادند و خطبه خواندند و مقاله منتشر کردند. این [پدیده] اینها را واقعاً متوحّش کرد؛ دیدند ایران که از دست‌شان رفت -</p>	<p><b>۱- رهبری و فرماندهی شگفت‌انگیز امام از آغاز تا پایان دفاع مقدّس (پدر مهربان و مدیر معنوی، آگاه و مسلط بر میدان):</b></p> <p>۱-۱- شناخت ابعاد و حجم واقعی کارزار</p> <p>۱-۲- آوردن ملت به صحنه دفاع مقدّس با تشخیص حیاتی و درک عمیق</p> <p>۱-۳- قاطعیت فوق‌العاده و بی‌نظیر در صدور فرمان‌ها و پیش بردن کارها:</p> <p>۱-۳-۱- تأکید بر شکست حصر آبادان</p> <p>۱-۳-۲- تأکید بر آزادسازی خرمشهر</p> <p>۱-۳-۳- تأکید بر آزادسازی سوسنگرد</p> <p>۱-۴- موضوع گیری‌های هوشمندانه به اقتضای شرایط مختلف جنگ:</p> <p>۱-۴-۱- دادن روحیه به ملت و تحقیر دشمن در هنگام لازم</p> <p>۱-۴-۲- جلوگیری از آفت مخربّ غرور در پیروزی‌ها</p> <p>۱-۴-۳- دلگرمی دادن و تفقّد رزمندگان در مواقع مورد نیاز</p> <p><b>۲- پیروزی درخشان و روشن ملت ایران در جنگ تحمیلی:</b></p> <p>۱-۲- ناکامی دشمن در رسیدن به اهدافش:</p>		



مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>اقبالاً بر ایران مسلط بودند- بیم این هست که تسلط فرهنگ انقلاب بر ملت‌ها، [شیوع آن] در میان ملت‌های مسلمان موجب بشود که سایر کشورهای اسلامی و سایر دولت‌های اسلامی هم از دستشان برود؛ لذا درصد برآمدند به هر قیمتی هست این انقلاب را نابود کنند؛ جنگ رژیم یعنی صدام علیه ایران از اینجا شروع شد... می‌خواستند انقلاب را نابود کنند. آمریکا و اروپای قدرتمند -حالا کشورهای درجه‌ی دو و سه اروپا اهمیتی نداشتند اما اروپای اصلی یعنی انگلیس، یعنی فرانسه، یعنی آلمان، یعنی ایتالیا، این کشورهایی که در اروپا موقعیتی داشتند، توانایی‌ای داشتند- یکسره همه پشت سر صدام قرار گرفتند و هرچه توانستند به او کمک کردند؛ هرچه توانستند کمک کردند!... جمهوری اسلامی، آن روز نه نیروهای مسلح منظمی داشت، نه دستگاه اطلاعاتی مرتب و منظمی داشت -اول انقلاب بود دیگر، همه چیز به هم ریخته بود- جمهوری اسلامی تنها چیزی که داشت، ملت باایمان و رهبر مقتدری مثل امام بزرگوار بود؛ این تنها چیزی بود که ملت داشت. همین کشور فرانسه در وسط جنگ، پیشرفته‌ترین هواپیماها و بالگردهای خودش را داد به عراق؛ همین کشور آلمان، مواد شیمیایی و سمی را در اختیار رژیم صدام گذاشت برای اینکه بتواند در جبهه‌های جنگ از مواد شیمیایی استفاده کند... اما کیفیت جنگ و نوع دفاعی که رزمندگان ما کردند در میدان جنگ. هیچ‌کدام از شما عزیزان دوره‌ی جنگ را یادتان نیست -البته بعضی از شخصیت‌ها را قاعدتاً می‌شناسید، کتابهایشان را خوانده‌اید؛ و من توصیه می‌کنم بخوانید این کتابهایی را که درباره‌ی این چهره‌های عزیز و عظیم و ماندگار و در واقع استثنائی نوشته شده؛ بخوانید این کتاب‌ها را- نوع دفاع ما یک دفاع فوق‌العاده‌ای بود؛ همراه بود با عزم و اراده‌ی قوی؛ در میدان‌های جنگ ما اراده و عزم و تصمیم قاطع موج می‌زد؛ [همراه بود] با ایمان؛ یعنی باور نسبت به حقانیت خود و بطلان دشمن؛ این خیلی مهم است. در یک میدان، آن کسی که دارد مبارزه می‌کند اگر دارای ایمان باشد یعنی به حقانیت خود معتقد باشد، به حقانیت این راه معتقد باشد، این به پیشرفت او کمک خواهد کرد. اگر چنانچه این ایمان، ایمان بالله باشد، ایمان به غیب باشد که دیگر فوق‌العاده است؛ این همان عاملی است که در صدر اسلام آن پیروزی‌ها را نصیب مسلمان‌ها کرد. در زمان ما هم همین اتفاق افتاد. عزم بود، ایمان بود، فداکاری [بود]. نتیجه‌ی آن ایمان فداکاری است؛ یعنی برایشان جان دادن مسئله‌ی اصلی نبود؛ یعنی واقعاً آماده بودند که جان‌شان را در راه خدا و در راه جهاد فی‌سبیل‌الله از دست بدهند؛ فداکاری. این خاطره‌هایی که نوشته می‌شود، سرشار از حوادث فداکارانه است که حقیقتاً برای همه‌ی ما درس است. بنده هر وقتی که می‌خوانم یکی از این کتاب‌ها را -زیاد هم می‌خوانم- حقیقتاً نسبت به آن عظمتی که در این کارها و در این فداکاری‌ها وجود دارد، احساس کوچکی می‌کنم در خودم. و ابتکار؛ یکی از خصوصیات [دیگر] دفاع مقدس، روحیه‌ی ابتکار و کارهای نو بود -که اگر ملاحظه کرده باشید، خواهید دید- از سنت‌های متعارف خیلی از ارتش‌های دنیا که مثلاً تجربه و آزمون هم پشت سرش هست عبور کردن، راه‌های نو را به وجود آوردن و راه‌های نو را کشف کردن. حقیقتاً این جور بود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل رزمندگان ما ابتکار بود، بعد هم توسلات معنوی. جبهه‌ها جایی بود که انسان‌های متعارف و معمولی وقتی می‌رفتند آنجا، حقیقتاً در وادی صفا و نورانیت عرفان وارد می‌شدند، [آن‌هم] به‌طور قهری! این خصوصیات رزمندگان ما بود. لذا خود این جنگ، انسان‌ساز شد. یعنی دفاع مقدس موجب شد که هرکدام از جوانان معمولی و عادی ما -حالا یا دانش‌آموز یا دانشجو یا کاسب یا روستایی یا کارگر یا کشاورز، باسواد، بی‌سواد- که در این بوته‌ی آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علو مرتبه‌ی انسانی بالاتر بروند. این شخصیت‌های برجسته و مهم، همّت‌ها، خرازی‌ها، شما خیال می‌کنید [چگونه بودند؟] شهید همّت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خرازی که یک اسطوره است، جوان‌های معمولی بودند؛ جنگ [بود که] اینها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار؛ [با کسانی مانند] باکری‌ها، برونسی‌ها. اوستا عبدالحسین بنای درس‌نخوانده، در میدان جنگ در بین رزمندگان وقتی می‌ایستاد و حرف</p>	<p>۱-۱-۲- ساقط کردن نظام اسلامی  ۲-۱-۲- سلطه مجدد بر ایران  ۳-۱-۲- تجزیه کشور  ۲-۲- ایستادگی ملت ایران مقابل قدرت‌های شرق و غرب و وابستگان به آنها  ۳- دفاع مقدس از عقلانی‌ترین و مدبرانه‌ترین حرکات ملت ایران:  ۱-۳- تلاش برخی برای متهم کردن دفاع مقدس به بی‌تدبیری  ۲-۳- عقلانی بودن دفاع مقدس از آغاز تا پایان:  ۱-۲-۳- همکاری ارتش و سپاه  ۲-۲-۳- انتخاب تاکتیک‌های مبتکرانه و شجاعانه  ۳-۲-۳- اقدامات بزرگ و شگفت‌آور در عملیات‌ها  ۴-۲-۳- قبول قطعنامه  ۴- مدل جدید و بی‌سابقه از حضور مردمی و بروز استعدادها در دفاع مقدس:  ۱-۴- شکل‌گیری شبکه عظیم مردمی:  ۱-۱-۴- حضور رزمندگان از چهارده‌ساله تا هفتادساله  ۲-۱-۴- حضور دختران دانش‌آموز دبستانی تا بانوان محترم  ۳-۱-۴- حضور قشرها و صنوف مختلف از پزشک و جراح و</p>		

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>میزد -آن کسانی که پای صحبت او بوده‌اند و شنیده‌اند، [می‌دانند]- مثل یک حکیم، مثل یک دانای خردمند حرف می‌زد و قانع می‌کرد طرف مقابلش را؛ جنگ، انسان‌ساز است. این دفاع مقدّس با این خصوصیات که من گفتم، یک چنین انسان‌هایی تربیت می‌کند. چیت‌سازیان، یک پسر هفده هجده ساله [بود که] وارد میدان جنگ می‌شود، تبدیل می‌شود به یک چهره‌ی ماندگار، یک ستاره‌ی درخشان که از حرف‌های او بنده و امثال بنده و شما و همه باید استفاده کنیم، و استفاده می‌کنیم. هزاران جوان از این قبیل در میدان جنگ ساخته شدند. اینها خردمندی و تدبیر داشتند. اینکه خیال کنیم همین‌طور سرشان را پایین می‌انداختند، بی‌هوا به لشکر دشمن می‌زدند، نخیر، با تدبیر، خردمندانه. حرکت جوانان ما در میدان جنگ، حرکت خردمندانه و مدبرانه بود. خردمندی و تدبیر داشتند، دلیری و شجاعت داشتند، فداکاری و عبادت هم داشتند. روز، به‌معنای واقعی کلمه، شیر غرّده‌ی میدان و شب، به‌معنای واقعی کلمه، زاهد و عابد و تضرّع‌کننده و عبادتگر؛ شیران روز، عابدان شب؛ این جور ی بود. لذا امام در یکی از آن بیانات بسیار عمیق خود بعد از یکی از این فتوحات اوّل کار پیام دادند - سال ۶۰ یک فتوحی شد، فتح بستان که خیلی مهم بود؛ بعد از مدّتی عقب‌نشینی و شکست‌های گوناگون، فتح بستان یک پیروزی بزرگی محسوب میشد؛ البته این [مضمون حرف ایشان است، عبارت ایشان در کتاب هست- گفتند که فتح‌الفتوح، فتح فلان شهر نیست؛ فتح‌الفتوح، تربیت و تولید یک چنین جوانهایی است؛ این فتح‌الفتوح است، واقعه هم همین است. فتح‌الفتوح برای یک کشور این است که جوانهای این کشور، هم خردمند باشند، هم با تدبیر باشند، هم مؤمن باشند، هم پارسا باشند، هم اهل تضرّع و گریه و عبادت باشند، هم اهل ایستادگی در مقابل دشمن باشند، هم دارای بصیرت باشند که با این همه تبلیغاتی که دشمن و ایادی دشمن در هم‌هی زمانها کرده‌اند و امروز هم دارند میکنند، فریب نخورند. یک چنین جوانهایی وقتی در کشور وجود داشته باشند، آن کشور مصونیت پیدا میکند. همین‌طور که گفتم فردای کشور شما هستید، آینده‌ی کشور شما هستید؛ شما اگر خودتان را با این خصوصیات پرورش بدهید و تربیت بکنید، کشور بزودی - نه در آینده‌های دور، در آینده‌های نزدیک- از همه جهت به اوج تعالی و تکامل میرسد؛ هم از جهت علمی، هم از جهت مادّی، هم از جهت سیاسی، هم از جهت اقتصادی به اوج خواهد رسید؛ جوان این جور است. هویت دفاع مقدّس این است: دشمنی دشمنان قدرتمند جهانی این جنگ را به وجود آورد و عظمت و فداکاری جوانان ما این جنگ را به نفع ما تمام کرد. آنها با آن نیت جنگ را شروع کردند که انقلاب اسلامی را بکلی از بین ببرند، اینها با این روحیه وارد میدان شدند و کاری کردند که انقلاب اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر و ریشه‌دارتر شد و نظام جمهوری اسلامی قوی‌تر شد؛ این هویت دفاع مقدّس است. این هویت را باید حفظ کرد، این را باید پاسداری کرد. کار شما، حرکت راهیان نور از سراسر کشور، این چند میلیون نفری که از پیر و جوان هر سال حرکت میکنند و به این سمت می‌روند، در واقع یکی از جلوه‌های پاسداری از آن دوران نورانی و از این حقیقت نورانی است، یعنی حقیقت دفاع مقدّس. حوادث برجسته‌ی دوران مقدّس [باید] بیاید به کتابهای درسی؛ حوادث برجسته و مسلّمی که اتفاق افتاده، منتقل بشود به کتابهای درسی تا جوانهای ما در جریان این حوادث قرار بگیرند. خوب کتابهای زیادی نوشته شده؛ بعضی کتابها قطور است، مفصّل است، ممکن است خیلی‌ها نخوانند؛ میتوان از اینها قطعاتی را جدا کرد و به تناسب و جا به جا اینها را در کتابهای درسی مندرج کرد<sup>۱</sup>.</p> <p>- رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای این دیدار با گرامیداشت هفته دفاع مقدّس و با اشاره به درس‌های این دوران درخشان و لزوم گسترش و تعمیق این درس‌ها در جامعه افزودند: توکل امام (ره) به خداوند متعال در زمان آغاز جنگ و در طول هشت سال دفاع مقدّس، به‌رغم همه</p>	<p>کشاورز و کارمند تا دانشجو و شاعر</p> <p>۲-۴- نقش‌آفرینی مردم و گروه‌های مختلف در پشت جبهه:</p> <p>۱-۲-۴- کمک‌های مالی مردمی</p> <p>۲-۲-۴- آذوقه‌رسانی به جبهه‌ها</p> <p>۳-۲-۴- رسیدگی به مجروحان</p> <p>۴-۲-۴- بدرقه و تشییع باشکوه شهیدان در شهرها</p> <p>۵-۲-۴- حمایت‌های فرهنگی تبلیغاتی و مقابله با عملیات روانی دشمن</p> <p>۶-۲-۴- پذیرایی و اسکان جنگ‌زدگان در شهرها</p> <p>۷-۲-۴- مقاومت مردم در شهرهایی که آماج حملات موشکی رژیم بعث بودند</p> <p>۳-۴- ظهور استعدادهای مهم:</p> <p>۱-۳-۴- شهید حاج قاسم سلیمانی، جوان روستایی از کرمان</p> <p>۲-۳-۴- شهید صیاد شیرازی، افسر جوانی که به فرماندهای مجرب تبدیل شد</p> <p>۳-۳-۴- شهید بابایی، فرماندهای توانا و مجرب</p> <p>۴-۳-۴- شهید باقری، روزنامه‌نگار داوطلب در کوران حوادث جبهه و تبدیل شدن به نابغه اطلاعاتی</p> <p>۴-۴- امکان استفاده از این مدل به‌عنوان ابزار اقتدار ملی</p> <p>۵- بروز عالی‌ترین فضایل اخلاقی و معنوی و تعالی روحی در دفاع</p>		

<sup>۱</sup> . بیانات رهبر انقلاب در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده در کاروان‌های راهیان نور ۱۳۹۶/۱۲/۱۹.

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>مشکلات و کمبودها و فشارها، یک موضوع شگفت‌آور بود که باید این توکل امروز نیز در همه عرصه‌ها وجود داشته باشد. ایشان گفتند: برخی اوقات به دلیل برخی مشکلات در جامعه، برخی بزرگان و محترمین دچار دستپاچگی می‌شوند در حالی که باید به خدا توکل، و با تلاش آن مشکل را برطرف کرد. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به الطاف الهی در چهل سال گذشته و عبور نظام اسلامی از گردنه‌های سخت خاطرنشان کردند: عزت و اقتدار و اعتبار مادی و معنوی کشور در دنیا و خیل عظیم جوانان انقلابی آماده به کار و پیشرفت‌ها و جهش‌های کشور غیرقابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است و همه این موفقیت‌ها، مرهون لطف و عنایت الهی است، بنابراین توکل به خدا هیچگاه نباید فراموش شود. حضرت آیت الله خامنه‌ای «امید به آینده و اعتماد به جوانان» را از دیگر درس‌های دوران دفاع مقدس برشمردند و گفتند: باید جوانان را وارد میدان کرد و از نیروی آنان غفلت نکرد، البته به‌کارگیری جوانان به معنای از صحنه خارج شدن افراد غیرجوان نیست، زیرا هر فردی به تناسب تجربه و عملکرد خود جایگاهی دارد. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه غفلت از نیروی جوان اشتباه است و نیروهای جوان باید به کمک نیروهای غیرجوان بیایند، گفتند: یکی از شاخص‌های مهم دوران دفاع مقدس، حضور جوانان در مناصب فرماندهی و در بدنه عظیم بسیج و سپاه و ارتش بود و امروز نیز باید این فرصت را مغتنم شمرد و از جوانان در رده‌های مدیریتی بالا و بویژه میانی استفاده کرد. حضرت آیت الله خامنه‌ای «عزم و اراده ملی» را درس دیگر دفاع مقدس دانستند و تأکید کردند: دشمن تلاش زیادی را برای سست کردن عزم و اراده مردم و ناامید کردن آنان به‌کار بسته است که باید در مقابل، عزم و اراده ملی تقویت شود و این مهم نیز، با دستور امکان‌پذیر نیست بلکه با استدلال‌های صحیح و با حضور به موقع صاحبان فکر در میان مردم محقق می‌شود. ایشان با تأکید بر اینکه اساس همه امور کشور و لازمه موفقیت در عرصه‌های مختلف «ایستادگی و مقاومت» است، افزودند: برخی امور نیازمند ایستادگی طولانی مدت است، بنابراین نباید از گستردگی جبهه دشمنان و قلدری‌ها ترسید بلکه باید همانند دوران دفاع مقدس، با مقاومت و ایستادگی، ثابت کرد که ما می‌توانیم<sup>۱</sup>.</p> <p>«امروز را به مناسبت چهلمین سال از آغاز دفاع مقدس، روز «تکریم و بزرگداشت رزمندگان و پیش‌کسوتان و جلوداران عرصه‌ی دفاع مقدس» قرار داده‌اند؛ بسیار کار بجا و درستی انجام گرفته. این تکریم، این بزرگداشت و نکوداشت جزو وظایف حتمی ملی ما است، علاوه بر اینکه توصیه‌ی مؤکد اسلام هم هست. ... از اسلام دفاع کردند، از انقلاب دفاع کردند، از عزت ملی دفاع کردند، از ناموس دفاع کردند؛ برخی از اینها عروج کردند و بعضی هم ماندند و کار را به پایان رساندند؛ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ؛ (۲) که این جماعتی که امروز به عنوان رزمندگان، به عنوان پیش‌کسوتان در این جلسه سراسری کشوری حضور دارند، جزو این کسانی هستند که این افتخار را داشتند که رفتند و این توفیق را داشتند که کار را به پایان رسانند. ما چه زمانی می‌توانیم اهمیت و عظمت رزمندگان را درست تشخیص بدهیم؟ آن وقتی که عظمت کار معلوم بشود، عظمت عرصه و میدان را بتوانیم تشخیص بدهیم، آن وقت معلوم میشود اینهایی که رفتند در این میدان و کار کردند چه ارزشی دارند. عظمت میدان یعنی تعریف دفاع مقدس... اولاً هدف جنگ‌افروزان، آن کسانی که جنگ تحمیلی را بر ملت ایران تحمیل کردند، در هم کوبیدن نظام اسلامی بود، در هم کوبیدن انقلاب بود؛ هدف اصلی و نهایی‌شان این بود. ثانیاً طرف اصلی، صدام و حزب بعث نبودند؛ اینها وسیله‌ای بودند که پیش‌کرده‌ی آن عناصر اصلی بودند. صدام را با استفاده از روحیات او و جاه‌طلبی‌های او پیش‌انداخته بودند. او هم آمده بود وارد میدان [شده بود] اما پشت سر و طرف اصلی، دیگران بودند؛ قدرتهایی بودند که بعضی از آن قدرتها مثل آمریکا، از انقلاب ضربه‌ی جدی خورده بودند. بعضی از طرفها هم کسانی بودند که ولو مثل آمریکا از ایران طرد نشده بودند و</p>	<p><b>مقدس به برکت اسلام و ایمان عمیق دینی</b></p> <p><b>۶- سرمایه‌سازی دفاع مقدس برای کشور:</b></p> <p>۱-۶- برقراری امنیت با توجه به دریافت دشمن از بالابودن هزینه تعرض و تجاوز به کشور</p> <p>۲-۶- ایجاد روحیه خودباوری و حرکت به سمت نوآوری‌های فنی و علمی:</p> <p>۱-۲-۶- پایه‌گذاری صنایع موشکی توسط شهید طهرانی‌مقدم و دوستانش در شرایطی که هیچ کشوری به ایران موشک و تجهیزات نمی‌داد</p> <p>۳-۶- ارتقای سرمایه انسانی کشور و جرئت پیدا کردن برای اجرای کارهای به ظاهر نشدنی:</p> <p>۱-۳-۶- اقدامات شگفت‌آور شهید سلیمانی در عرصه منطقه و دیپلماسی</p> <p><b>۷- آشنایی بیشتر ملت ایران با ذات و واقعیت تمدن غرب:</b></p> <p>۱-۷- آشکار شدن ماهیت دولت‌های غربی با حمایت کامل از حکومت فاسد، ضدبشوری و دیکتاتوری صدام</p>		

<sup>۱</sup> . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>نمیشد گفت که آن چنان منفعت کلانی به این صورت از دست داده‌اند، منتها از اینکه یک عنصر جدیدی، یک هویت جدیدی در این منطقه‌ی حسّاس به وجود بیاید، بر اساس دین، بر اساس اسلام، با خصوصّیاتی که میدانستند و می‌شناختند، نگران بودند و مایل نبودند؛ لذا مقابل جمهوری اسلامی ایستادند. فقط آمریکا نبود، شوروی آن روز هم بود، ناتو و کشورهای اروپای غربی [هم] بودند؛ حتّی کشورهای اروپای شرقی هم در این عرصه در مقابل ما قرار داشتند. لذا اسنادی که بعداً رو شد و نشان داده شد، ثابت کرد که آمریکا پیش از آغاز جنگ با صدام توافقهایی داشته؛ همچنان که کمکهای تسلیحاتی و اطلاعاتی بسیار ذی‌قیمت به طور مرتّب در اثنای جنگ -که حالا من بعداً یک اشاره‌ای به اینها خواهم کرد- به سمت نیروها و قوای صدام و حزب بعث سرازیر بود؛ کاروان نظامی به صورت پیوسته که این جلوی چشم ما و در دید ما بود. کشتی‌ها در بنادر امارات پهلو میگرفتند و از امارات به صورت متّصل، هرروزه، بدون وقفه میرفتند سعودی، میرفتند کویت، میرفتند عراق و [امکانات را] تحویل نیروهای صدام‌حسین میدادند. اینکه حالا وضع دشمن و جبهه [بود]. در داخل هم، شرایط کشور جوری بود که دشمن را تشجیع میکرد به اینکه این حمله‌ی نظامی را آغاز کند؛ وضع داخلی کشور، وضع نیروهای مسلّح -که در درجه‌ی اوّل، چشم امید در جنگها به نیروهای مسلّح است- وضع خوبی نبود؛ ارتش تازه از زیر یوغ فرماندهان طاغوتی خارج شده بود و داشت خودآرایی میکرد و حضور انقلابی خودش را نشان میداد. البته فرماندهان ارتش، بسیاری فرماندهان خوبی بودند اما امثال شهید فلاحی یا مرحوم ظهیرنژاد که در ارتش شخصیتی بودند و جایگاه مهمی داشتند، برای اداره‌ی سازمان عظیمی مثل ارتش آماده نبودند؛ در این کار در واقع تازه‌کار بودند. سپاه هم که اندکی بیش از یک سال بود که تشکیل شده بود. در پایان شهریور ۵۹، سپاه یک نهاد یک سال و چند ماهه بود؛ تازه تشکیل شده بود. این وضع نیروهای مسلّح ما بود. از لحاظ ابزارهای نظامی هم -این را واقعاً همه باید در یاد داشته باشند- در نهایت شدّت و تنگ‌دستی بودیم؛ اوّلاً ابزارهای نظامی‌مان کم بود، ناقص بود، بسیاری از آنها برای کسانی که مسئولیت پیدا کرده بودند، شناخته‌شده نبود، و در همان آغاز حمله‌ی دشمن، بعضی از آنها از دست ما رفته بود؛ نتیجه این بود که امکانات ما بسیار کم بود. من چند ماه بعد از شروع جنگ که در این یگانها گردش میکردم، میدیدم تیبّ زرهی ارتش که بایستی مثلاً حدود ۱۵۰ فروند تانک داشته باشد، حدود چهل فروند تانک دارد؛ یعنی امکانات ما در این حد بود؛ بقیه‌ی امکانات هم همین جور بود. سپاه هم که بکلی فاقد امکانات بود؛ امکاناتش تنگ و خمپاره‌های سبک و مانند اینها بود؛ ما اصلاً امکانات نظامی‌ای نداشتیم؛ اینها دشمن را تشویق میکرد. اینها را دشمن تا حدود زیادی می‌فهمید، میدانست و تشویق به حمله میشد. خب جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس ما آغاز شد؛ اینجا است که انسان نقش بسیار حسّاس و شگفت‌انگیز رهبری و فرماندهی امام بزرگوار را تشخیص میدهد. امام در یک چنین شرایطی توانست آغاز جنگ را و بعد تداوم این حرکت را در زیر چشم خود و اراده‌ی خود به پیش برد و اداره کند. بعضیها انکار میکنند، اظهار تعجّب میکنند که چطور ممکن است یک روحانی مسنّ پیرمردی در سنین هشتاد و چندساله مثلاً بتواند نیروهای مسلّح را در جنگ اداره کند؛ خیال میکنند که مدیریت جنگی و فرماندهی جنگی امام به این بود که برود مثلاً در قرارگاه‌های تاکتیکی مقدّم بنشیند عده‌ها را جابه‌جا کند، یگانها را این ور و آن ور بفرستد. مسئله این نبود، مسئله‌ی امام چند چیز دیگر بود: اوّلاً مهم این بود و کار بزرگ امام این بود که از اوّل حجم واقعی این کارزار را شناخت، از اوّل فهمید که معنای این جنگ چیست؛ خیلی از ماها نمیدانستیم، نمی‌فهمیدیم. خب دو کشور همسایه خیلی اوقات میشود درگیری با هم پیدا میکنند؛ خیلی اهمیتی ندارد. امام نه، امام از اوّل فهمید که این یک درگیری عادی بین دو همسایه نیست، دشمن را شناخت و فهمید که دشمن اصلی در این جنگ کیست و تشخیص داد که صدام یک ابزار است. و امام دربارهی جنگ، دربارهی دفاع مقدّس متعدّد سخنرانی میکرد؛ در سخنرانی‌ای که مربوط به جنگ بود امام مثلاً میفرمود که آمریکا از شوروی بدتر، شوروی از آمریکا بدتر، انگلیس از هر دو بدتر؛ یعنی</p>	<p><b>۸-۱-۸- آشکارشدن شجاعت ملت ایران</b></p> <p><b>۸-۲- آشکارشدن وحدت ملت ایران</b></p> <p><b>۸-۳- آشکارشدن همت و مقاومت ملی ایرانیان</b></p> <p><b>(ز) بایدهای دفاع مقدّس و چگونگی مواجهه با حوادث آن:</b></p> <p><b>۱- لزوم احیای خاطره‌ها و حوادث دفاع مقدّس و صدبرابر کردن کارها درزمینه ادبیّات جنگ</b></p> <p><b>۲- لزوم نشان دادن تصویری روشن رسواکننده نظام سلطه به دنیا در آن هشتم سال</b></p> <p><b>۳- لزوم نشان دادن اهمیت و عمق قضایای دفاع مقدّس و ساختن فیلم درباره اخلاص و مجاهدت قهرمانان این عرصه</b></p> <p><b>۴- لزوم راه اندازی نهضت ترجمه آثار</b></p>		

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>تعرض و خطابش به آن کسانی بود که شناخته بود که اینها عاملان اصلی هستند و پشت صحنه‌ی جنگ در واقع اینها هستند. ثانیاً یک تشخیص اساسی و حیاتی امام داد و آن این بود که این مسئله‌ی مهم را فقط ملت ایران میتواند حل کند. این مسئله، صرفاً مسئله‌ی نیروهای مسلح نیست. ولو نیروهای مسلح بعد خب وضع بهتری پیدا کردند لکن این کار، کار ملت ایران است، ملت باید وسط بیاید؛ همچنان که ملت ایران انقلاب را به پیروزی رساند، جنگ را هم ملت ایران باید به پیروزی برساند. امام این را تشخیص داد و بر اساس آن عمل کرد و این حرکت عظیم مردمی را که حالا بعد یک اشاره‌ای خواهیم کرد، به وجود آورد. [بعداً شخصیت امام، نفوذ معنوی امام، صداقت و معصومیت بیان امام که وقتی حرف میزد آثار معصومیت و صداقت در بیان او برای همه آشکار بود، می‌فهمیدند که حقیقت را دارد بیان میکند؛ بعد نگاه تیزبین او که یک اعماقی را مشاهده میکرد که به معنای واقعی کلمه [مصدق] «آنچه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خام آن بیند» [بود]. گاهی ماها با مسئولین نظامی در بعضی از مسائل نظامی مراجعه میکردیم به ایشان و امام گاهی یک نکاتی را بیان میکردند که برای انسان واقعاً [امایه‌ی] تعجب بود که ایشان چطور به این نکات توجه میکنند. و بعد هم قاطعیت بی‌ظنیر، آن قاطعیت فوقالعاده؛ کارهای نشدنی را که به معنای واقعی کلمه نشدنی به نظر میرسید، امام به طور قاطع [مثلاً میفرمود] «حصر آبادان باید برداشته شود». خب آن وقتی که آبادان در حصر افتاد، بنده اتفاقاً در اهواز بودم، اصلاً قابل تصور نبود چطور ممکن است حصر آبادان برداشته بشود [آما] امام قاطع فرمودند. [یا میفرمود] «خرمشهر باید آزاد بشود»، در قضیه‌ی قبل «سوسنگرد باید آزاد شود»، یعنی چیزهای نشدنی را که به نظر افراد حاضر در آنجا می‌آمد، این را امام به صورت قاطع بیان کردند. رهبری امام و هدایت امام و فرماندهی امام، اینها بود؛ و متأسفانه نقش امام در نوشته‌های مربوطه به جنگ، در بحثهای مربوط به جنگ، مورد غفلت واقع شده! یک نکته‌ی دیگر درباره‌ی نوع مواجهه‌ی امام با این قضیه عرض بکنم. امام در حالات مختلف جنگ، به اقتضای آن حالت، موضع‌گیری میکرد و آن نکته‌ی اصلی را بیان میکرد. یک وقت مثلاً فرض کنید، یک قضیه‌ای پیش آمده بود در صحنه، در میدان که مردم روحیه‌شان را از دست داده بودند و بایستی روحیه پیدا میکردند؛ امام سعی میکرد به مردم روحیه بدهد و دشمن را تحقیر کند. معنای اینکه [فرمودند] «یک دزدی آمده، یک سنگی انداخته و فرار کرده»، (۵) این است که رزمندگان ما که به جبهه رفتند، دارند دشمن فراری را تعقیب میکنند. روحیه دادن به ملت. یک وقت لازم بود که از غرور رزمندگان جلوگیری بشود؛ فرض بفرمایید رزمندگان با حدود یک ماه تلاش کُشده و فوق‌العاده توانسته بودند خرمشهر را فتح کنند -خب این خیلی دستاورد عجیب و بزرگی بود که خرمشهر را رزمندگان ما، ارتش و سپاه و بسیج، توانستند از دشمن باز پس بگیرند- خب این ممکن بود غرور ایجاد کند؛ اینجا برای اینکه این غرور به وجود نیاید که ضربه‌اش بر همه‌ی افرادی که دست‌اندرکار در هر نقطه‌ای هستند بسیار زیاد است، امام فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ [یعنی] ما وسیله هستیم؛ مطلب را مستند به اراده‌ی الهی و قدرت الهی میکند؛ این اینجا لازم است. فرض بفرمایید یک وقت رزمندگان دچار یک مشکلی شدند، احتیاج به تفقد داشتند، احتیاج به دلگرمی داشتند، امام تفقد میکرد از آنها که «بازوی رزمندگان را میبوسم». (۶) یعنی مراقب [بود]؛ مثل یک پدر مهربان و مثل یک مدیر قوی و آگاه، مسلط بر عرصه، هر وقتی هر چه لازم بود، از این بزرگوار صادر میشد. و باید در تحقیقات ما، در کارهایی که انجام میگیرید، حتماً نقش امام روشن بشود. خب، بنابراین چپستی و چرایی جنگ تحمیلی، در این چند جمله‌ی کوتاه به نحو اجمال روشن میشود، لکن چند نکته را من در مورد دفاع مقدس عرض میکنم. البته خیلی از اینها بارها گفته شده، تکرار شده، لکن بایست تکرار بشود؛ همین طور که عرض کردم، دست تحریف با انگیزه به دنبال شبهه‌افکنی است. نکته‌ی اول این است که همین طوری که گفتیم، دشمن جنگ را به راه انداخت با هدف اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام اسلامی را ساقط کند و یک دستگاه حکومت وابسته‌ی ضعیف و زبونی را بر سر کار بیاورد و سلطه‌ی خودش را بر کشور ایجاد</p>	<p><b>مکتوب و نهضت صدور فیلم‌های خوب</b></p> <p><b>۵- لزوم مراقبت در خصوص تحریف واقعیات دفاع مقدس:</b></p> <p><b>۵-۱- لزوم نزدیک شدن معرفتی به دفاع مقدس با وجود دور شدن از زمان آن</b></p> <p><b>۵-۲- لزوم بهره‌گیری از سرچشمه جوشان ادبیات دفاع مقدس:</b></p> <p><b>۵-۲-۱- تأکید بر تولید متون فاخر ادبی به‌عنوان منابع غنی برای خلق آثار هنری</b></p> <p><b>۵-۲-۲- لزوم شخصیت‌پردازی از شهیدان و رزمندگان جنگ</b></p> <p><b>۵-۲-۳- تأکید بر یادواره‌های دفاع مقدس برای جلوگیری از ایجاد فاصله نسلی در مقوله جهاد و مقاومت</b></p> <p><b>۶- لزوم درک و انعکاس روح و عظمت پیام دفاع مقدس</b></p> <p><b>۷- لزوم توجه به تلاش دشمن برای به فراموشی سپردن یا زیرسوال بردن دفاع مقدس</b></p> <p><b>۸- لزوم بهره‌بردن از دفاع مقدس به عنوان ذخیره‌ای برای پیشرفت کشور و رشد ملی</b></p>		

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>کند؛ و دشمن شکست خورد. یعنی این نکته‌ی بسیار اساسی و مهم که بعضاً شبهه‌افکنی میکنند که آیا ایران در این جنگ پیروز شد یا نشد، [جوابش این است که] اصلاً پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی مثل خورشید روشن است! [اینکه] همه‌ی دنیای قدرتمند آن روز، بریزند سر یک کشور، برای اینکه نظام او را ساقط کنند، برای اینکه بتوانند بر او مسلط بشوند، برای اینکه بتوانند سرزمین او را تجزیه کنند - یک قسمتهایی از غرب و از جنوب غربی کشور را اینها میخواستند تجزیه کنند- و هشت سال همه‌ی توان خودشان را به کار ببرند، آخرش هم هیچ غلطی نتوانند بکنند، پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی نیست؟ ملت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد. اولاً یک وجب از خاک کشور را نتوانستند جدا کنند؛ ثانیاً نتوانستند انقلاب و نظام را یک قدم به عقب برانند. و نظام بعد از جنگ و در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل از شروع جنگ بود و نشاط و توانایی‌اش بیشتر بود؛ اینها پیروزی‌های بزرگی است که اتفاق افتاد. در جنگهایی که در دوره‌ی پادشاهان، در دوره‌ی طواغیت در این یکی دو قرن اخیر اتفاق افتاد، ایران همیشه شکست خورده؛ چه در دوره‌ی قاجار، چه در دوره‌ی پهلوی، حتی در جنگی که ایران اعلام بی‌طرفی کرد. ایران، هم در جنگ بین‌الملل اول، هم در جنگ بین‌الملل دوم اعلام بی‌طرفی کرد و کشور در هر دو جنگ اشغال شد که اولی در دوره‌ی قاجار بود، دومی در دوره‌ی پهلوی بود. در جنگ دوم، در همین شهر تهران، نیروهای آمریکایی و نیروهای شوروی در خیابانها رژه میرفتند، راه میرفتند و جلوی چشم مردم فساد ایجاد میکردند؛ بخشهایی از شمال کشور، بخشهایی از جنوب کشور تحت سلطه‌ی اینها قرار گرفت و حضور مستقیم داشتند. سران سه کشور، بدون اجازه، بدون ویزا، بدون اطلاع سران کشور ایران - یعنی پادشاهان بی‌عرضه و اطرافیان نادان و ناتوان آنها - آمدند در ایران جلسه برگزار کردند، محمدرضا شاه ایران، رفت وارد جلسه‌ی اینها شد، تحقیرش کردند؛ یعنی در جلسه‌ای که سنفری نشسته بودند و شاه وارد شد، این دو نفر، یعنی چرچیل و روزولت برایش از صندلی بلند نشدند؛ یک صندلی گذاشتند آنجا نشست، فقط استالین بلند شد؛ بعد هم کمونیست‌ها در خاطرات بعدی نوشتند که استالین گفت دید که اینها بی‌اعتنائی میکنند، برای اینکه او را به طرف خودش جذب کند [از جا بلند شد؛ وضع کشور این بود، یعنی دشمن براحتی می‌آمد. در جنگهای با روسیه، قفقاز از دست رفت؛ در شرارت‌های انگلیس در بوشهر و جنوب و خلیج فارس، ضربات زیادی بر ما وارد شد؛ همه‌ی این جنگها این جوری بود، یعنی پیروزی در آنها وجود نداشت. در جمهوری اسلامی، کشور سربلند ایران توانست در مقابل دنیای قدرتمند مقابل خودش، یعنی شرق و غرب و اروپا و آمریکا و شوروی و مرتجعین و همه پایستد و بر اینها پیروز بشود؛ این نکته‌ی اول که یک نکته‌ی بسیار مهمی است و بخشی از هویت ملی ما است. اینکه گاهی گفته میشود و درست هم هست که «دفاع مقدس بخشی از هویت ملی است»، به خاطر این است که دفاع مقدس، مظهر بروز هویت والا و برجسته‌ی ملت ایران بود که توانستند جنگ را به پیروزی برسانند. نکته‌ی دوم؛ دفاع مقدس یکی از عقلانی‌ترین حوادث ملت ایران بود. بعضی‌ها با استناد به یک خطایی که در یک بخشی انجام گرفته یا یک جمعی انجام داده‌اند، مجموعه‌ی دفاع مقدس را به بی‌تدبیری متهم میکنند؛ ابدأ این جور نیست؛ دفاع مقدس از اول تا آخر مدبرانه و عقلانی بود. شروع کار که از سخنرانی‌هایی که اول کار انجام گرفت - چه آنچه امام فرمودند، چه آنچه دیگران گفتند - نشان‌دهنده‌ی عقلانیت ورود در این عرصه بود. بعد فعالیتها و همکاری سپاه و ارتش؛ ببینید، این خیلی مسئله‌ی مهمی است. آن روز ارتش یک سازمان سنتی جافتاده‌ی موجود در کشور، و سپاه یک عنصر جوان تازه به میدان آمده‌ی انقلابی، اینها باید با هم کار کنند؛ این آسان نیست، اما این اتفاق افتاد. البته بعد از آنکه بنی‌صدر فرار کرد این اتفاق خیلی بهتر و کامل‌تر افتاد، اما قبل از آن هم بود. بنده خودم در پادگان ابوذری دیدم که مرحوم شهید پیچک جانشین فرمانده ارتشی آن پادگان بود - که اسم آن فرمانده یادم نیست - آنجا فرمانده پادگان ارتشی بود، جانشینش یک سپاهی بود، با همدیگر کار میکردند، زندگی میکردند؛ در منطقه‌ی غرب، پادگان ابوذری جای حساسی بود و یک عرصه‌ی عظیمی از جنگ</p>	<p>۹- ضرورت استفاده از ظرفیت‌های دفاع مقدس برای آمادگی در میدان‌های پیش روی ملت</p> <p>۱۰- لزوم واردکردن حوادث برجسته دوران مقدس به کتاب‌های درسی</p> <p>۱۱- لزوم درک عظمت کار رزمندگان دفاع مقدس و هم‌زمان شهیدشان</p> <p>۱۲- لزوم درک شایسته عظمت میدان دفاع مقدس و چرایی و چگونگی این قطعه مهم از تاریخ ایران</p> <p>۱۳- لزوم تک‌ریم پیشکسوتان و رزمندگان</p>		

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>را اینها اداره میکردند. بعد هم که اوضاع جدید پیشامد کرد و بنی‌صدر فرار کرد و فرماندهی جنگ را خود امام بزرگوار به عهده گرفتند که دیگر همکاری ارتش و سپاه همکاری واضحی بود؛ در عملیات امام رضا، شکستن حصر آبادان، در فتح‌المبین، در بیت‌المقدس، بعد عملیات خیبر و بدر و جاهای دیگر؛ این خیلی کار بزرگی بود. از این عاقلانه‌تر و مدبرانه‌تر چه کاری را میشود پیدا کرد؟ بعد، انتخاب تاکتیک‌های ابتکاری و شجاعانه که این تاکتیک‌ها واقعاً فوق‌العاده بود. فرض بفرمایید تاکتیک‌هایی که در فتح‌المبین به کار برده شد؛ یعنی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بتوانند به نحو شجاعانه‌ای سر از پشت جبهه‌ی دشمن دربیایند و از پشت، دشمن را مغلوب و منکوب کنند. اصلاً این تاکتیک‌ها، تاکتیک‌های ابتکاری بود. در بیت‌المقدس انواع و اقسام کارهای بزرگ و تاکتیک‌های نو انجام گرفت؛ در پدافند هوایی در والفجر هشت، در ظرف چند روز شهید ستاری آنجا ابتکار فوق‌العاده‌ای انجام داد؛ در عبور از اروند در همان عملیات کار بزرگی انجام گرفت. اینها همه کارهای مدبرانه و بزرگی بود، کارهای عاقلانه بود؛ کمتر نیروی مسلحی با این توانایی فکری و با این اقتدار معنوی و تدبیر میتواند کار را پیش ببرد. حتی قبول قطعنامه هم در پایان کار، در آن شرایط که امام از آن تعبیر کردند به «نوشیدن جام زهر»، این هم مدبرانه بود. در آن مقطع، این کار، کار مدبرانه‌ای بود، باید انجام میگرفت. اگر مدبرانه نبود، اگر عاقلانه نبود، امام انجام نمیداد. ما از نزدیک شاهد بودیم و میدیدیم که چه دارد میگردد؛ کار، بسیار عاقلانه بود. بنابراین، از اول تا آخر، مسئله‌ی دفاع مقدس یک پدیده‌ی عقلایی و یکی از عقلانی‌ترین حرکات ملت ایران بود و تحریفها را در این مورد بایستی مراقب بود. نکته‌ی سوم؛ در دفاع مقدس برای حضور مردمی یک مدل‌سازی جدیدی انجام گرفت. نحوه‌ی حضور مردمی یک نحوه‌ی شگفت‌آوری است و بر اساس این حضور، بروز استعدادها [است] که حالا من مختصری درباره‌ی هر کدام از اینها عرض میکنم. اولاً همه‌ی آحاد ملت ایران، آنهایی که مایل بودند در این عرصه شرکت کنند، هر که بود، هر چه بود، توانست در یک شبکه‌ی زنده، کارآمد، داوطلبانه و پرشور جای خودش را پیدا کند. فرض بفرمایید یک رزمنده‌ی سیزده چهارده ساله که حالا مثلاً با دست‌کاری در شناسنامه موفق شده بود خودش را به جبهه برساند، جایش مشخص بود؛ یعنی میتوانست جای خود را پیدا کند، بیکار نماند؛ فرض بفرمایید که آب بیاورد، خبر برود، پیام‌رسان باشد و از این قبیل کارها. یک پیرمرد هفتادساله هم که میرفت جبهه، او هم همین جور؛ او هم میتوانست کار خودش را پیدا کند. توقعی که از یک پیرمرد در جبهه وجود داشت، کاملاً مشخص بود، معلوم بود؛ هیچ کس بیکار نمی‌ماند؛ نه آن بچه‌ی سیزده‌ساله بیکار میماند، نه آن پیرمرد هفتادساله بیکار میماند. یا فرض بفرمایید یک دختر دانش‌آموز هشت نه ساله، ده ساله - دبستانی - که میخواست در این کار، او هم شرکت کند، جای خودش را پیدا میکرد؛ برמידاشت نامه مینوشت به برادر رزمنده‌ی ناشناس و این نامه را در بسته‌های غذایی و هدایای مردمی‌ای که میفرستادند می‌گذاشت و میفرستاد. مکرراً اتفاق افتاده بود که رزمنده در میدان جنگ فرض کنید که این بسته‌ی غذایی را باز میکرد میدید یک نامه در آن هست، میخواند میدید بله، یک بچه‌ای، یک دختر هفت هشت ساله‌ای، ده‌ساله‌ای نوشته «برادر رزمنده! خسته نباشید، من دعایتان میکنم و مانند اینها»؛ یعنی یک دختر بچه هم میتوانست در اینجا حضور داشته باشد؛ یک بانوی محترم هم میتوانست با چرخ خیاطی خودش، با وسایل طبخ خودش، با مرباسازی خودش، با ترشی انداختن خودش، با نان پختن خودش، با لباس شستن خودش به پشت جبهه کمک کند. بنده در اهواز رفتم یک نقطه‌ای را دیدم که جمعیتی از بانوان و زنها محترم آنجا جمع شده بودند و لباسهای چرک رزمندگان را می‌شستند؛ یعنی همه میتوانستند جای خودشان را پیدا کنند و مشغول بودند. پزشک جراح مشخصاً میتوانست آنجا حضور داشته باشد و حضور داشت و ما دیدیم. کاسب جزء، روحانی مسجد، کارگر کارخانه، شاعر و سرودخوان، راننده و صاحب‌کار و ریخته‌گر، کشاورز روستایی، کارمند اداری و انواع و اقسام گروه‌های مردمی میتوانستند در این شبکه‌ی عظیم مردمی حضور پیدا کنند؛ این یک مدل جدید بود. این در دنیا هیچ سابقه‌ای ندارد؛ هیچ جا ما</p>			

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>انمنه‌اش را [خواننده‌ایم و نشنیده‌ایم. [درباره‌ی] جنگهای فراوان، کتابهایشان، فیلم‌هایشان درآمده، ما هم خیلی از این قبیل چیزها را خوانده‌ایم، مطالعه کرده‌ایم [اما] نمونه‌ی چنین بسیج مردمی عظیمی اصلاً وجود ندارد. این مدل جدید بود؛ مدل‌سازی جدید که همه می‌توانستند همکاری کنند، همه می‌توانستند هم‌افزایی کنند همه [کمک] میدادند. بعد، در این حرکت دسته‌جمعی چه استعدادهایی ناگهان پیدا بشود. فرض کنید فلان جوان از روستایی در فلان نقطه‌ی کشور -مثلاً روستایی در کرمان- بیاید داخل شهر و ببینند به اینها، بعد بشود مثلاً حاج قاسم سلیمانی؛ یعنی یک چنین حرکت عظیمی [بوده]. فلان جوان دانشجو بدون اینکه حتی یک بار تفنگ به دست گرفته باشد، داوطلبانه برود جبهه، در کوران حوادث جبهه، مثلاً در طول یک سال و نیم، بشود عضو برجسته و مؤثر یک قرارگاه نظامی سطح بالا. فرض بفرمایید که جوانی از مجموعه‌ی یک روزنامه، که مشغول فعالیت مطبوعاتی است، برود جبهه و بعد از مدت کوتاهی بشود مثلاً شهید حسن باقری، نابغه‌ی اطلاعات جنگ؛ و از این قبیل موارد عجیبی و بروز [چنین] استعدادهایی مشاهده شد و چهره‌های ماندگار جنگ و شهدای بزرگی از جنگ از این قبیلند. بعضی از افسران جوان را ما دیدیم، مثلاً فرض کنید شهید صیاد که من از اوایل انقلاب ایشان را می‌شناختم و میدیدم، به نظرم آن وقت یک افسر جوانی بود یا ستوان یک بود یا سروان بود -که می‌آمد پیش ما و میرفت؛ رفت و آمد داشت- این تبدیل بشود به یک فرمانده مجرب توانایی که مدتها توانست نیروی زمینی ارتش را آن جور هدایت کند و آن جور پیش ببرد و در بزرگ‌ترین کارها شرکت کند. شهید بابایی [هم] از این قبیل است، و دیگری که بودند. این مدل ابتکاری از حضور مردم همیشه می‌تواند مطرح باشد. امروز هم ما می‌توانیم. اگر همت بکنیم و با نگاه درست به مردم و مسائل نگاه کنیم، می‌توانیم از این مدل استفاده کنیم. البته وضع جنگ یک وضع دیگری است، وضع اقتصاد یک وضع دیگری است. صاحبان فکر، صاحبان اندیشه می‌توانند به این [مدل] به صورت یک ابزار اقتدار ملی نگاه کنند و آن را دنبال بکنند. آن وقت نقش پشت جبهه در این مدل به قدر جبهه اهمیت پیدا می‌کرد؛ چون همه که نمی‌توانند تفنگ دست بگیرند؛ رغبتها و تمایلات و توانایی‌ها مختلف است؛ بعضیها پشت جبهه می‌توانند نقش بیافرینند و نقش آفرینند. اولاً کمکهای مالی، آذوقه‌رسانی‌ها که مهم بود و بسیار تأثیر داشت، تا رسیدگی به مجروحان، تا بدرقه‌ی باشکوه شهیدان. بنده بارها گفته‌ام اگر از شهدا یک چنین تکریمی و احترامی نمیشد، شوق شهادت این جور در دلها مشتعل نمیشد، آن طوری که شد. وقتی جنازه‌ی شهید -یا یک نفر یا بیشتر- وارد یک شهر میشد آن حضور مردمی و استقبال مردمی و بدرقه‌ی او تا آرامگاه، خود یکی از حوادث بسیار مهم و مراسم تأثیرگذار بود. حمایت‌های فرهنگی و تبلیغاتی، از شعر و شعار تا خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن -که دشمن دائم مشغول عملیات روانی بود، در شهرهای کشور و روستاهای کشور هم کسانی دائم مشغول خنثی‌سازی اینها بودند- تا پذیرایی و اسکان جنگ‌زده‌ها، تا ماندن مردم برخی از شهرهای زیر موشک‌باران دشمن مثل دزفول؛ یکی از موارد افتخارآمیز پشت جبهه، همین ماندن مردم اهالی بعضی از شهرها است؛ چه در کردستان، چه در خوزستان و در سایر استانها؛ در بعضی از شهرها مردم در شهر ماندند با اینکه شهر محل تهاجم شدید پیوسته‌ی دشمن بود. نکته‌ی چهارم؛ در دفاع مقدس، عالی‌ترین فضایل اخلاقی بروز کرد؛ هم فضایل اخلاقی، هم معنویات و عروج معنوی و تعالی روحی. شبیه این را واقعاً نمیشود سراغ گرفت؛ حالا تک و توک چرا، همه جا هستند اما با این کثرت جمعیت و کثرت عدد هیچ جا غیر از جبهه‌ی دفاع مقدس را بنده سراغ ندارم که این جور فضایل اخلاقی بروز کرده باشد؛ هم فضایل اخلاقی، هم جنبه‌های تعالی معنوی و روحیات دینی و مانند اینها. شرح‌حالی‌هایی که نوشته شده نشان‌دهنده‌ی این خصوصیات است، وصیت‌نامه‌هایی که باقی مانده همین جور، حالاتی که نقل میشود از بعضی از رزمندگان [همین جور]. فضایل اخلاقی مثل صداقت، صدق و صفا، خب اصلاً منطقه‌ی جبهه، منطقه‌ی صدق و صفا بود، همه با هم باصفا بودند]. اخلاص، برای خدا کار کردن؛ آنجا کسانی، هم تمرین اخلاص می‌کردند، هم اخلاص خودشان</p>			



مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>برای خدا را آنجا در عمل نشان میدادند. تواضع، خدمت به دیگران. انسان مکرر در این شرح‌حال‌ها میخواند که مثلاً فرض کنید میگویند فلان دسته شب در خیمه خوابیده بودند، صبح که بیدار میشوند، می‌بینند همه‌ی پوتین‌هایشان واکس زده است؛ چه کسی واکس زده؟ معلوم نیست. بعد از تحقیق معلوم میشود که مثلاً فرمانده گروهان یا فرمانده دسته، شب آمده و همه‌ی پوتین‌های اینها را واکس زده یا لباسهایشان را که گذاشته بودند بشویند، شسته، یا دست‌شویی‌ها را تمیز کرده؛ اینها چیزهای عجیبی است؛ این تواضع، این خدمت، روحیه‌ی خدمتگزاری، ایثار، از خودگذشتگی و فداکاری؛ بعد هم که آن حالات معنوی، آن گریه‌های نیمه‌شب، آن سحرخیزی‌ها، آن شور و عشق توحیدی، آن بی‌اعتنائی به زبوره‌های دنیوی، و در مواردی هم اتصال به غیب. بعضی از این عزیزان، این جوانهای عارف - عارف به معنای واقعی کلمه؛ عارف واصل - در جبهه کارشان به جایی رسیده بود که آینده را میدیدند، از آینده خبر میدادند، از شهادت خودشان، از شهادت دوستانشان، از حوادثی که ممکن است پیش بیاید؛ اینها در شرح حال رزمندگان هست، و اینها خیلی مهم است. البته مشخص است که این نکته بیش از بقیه‌ی نکاتی که عرض شد، به برکت اسلام است. البته اعتلا و درخشندگی نقاط دیگر هم به برکت ایمان دینی بود، اما این نکته‌ی بالخصوص، مربوط به دل سپردن به خدا و مسئله‌ی اسلام و مسئله‌ی ایمان دینی است که انسان واقعاً متحیر میماند از تأثیر این ایمان عمیق. یا [روحیه‌های] مادرهای شهید. خب، من و شما حسّ مادری را اصلاً نمی‌فهمیم، واقعاً هیچ کس نمیتواند حسّ مادری را درک کند غیر از خود مادر؛ آن وقت این مادر، جوانش را بفرستد جبهه، جوان که می‌آید درخواست میکند، میگوید چون برای اسلام میخواهی بروی برو؛ برای اسلام برو. بعد که پیکر همین جوان را می‌آورند، خوشحال است که او را در راه خدا داده؛ میگوید این [جوانم] را در راه خدا دادم. الحمدلله بنده توفیق داشته‌ام با خانواده‌های شهید، با مادران و پدران شهیدان نشست و برخاست زیادی داشته‌ام - مکرر - انسان میبیند که مادرهای شهید در موارد زیاد که واقعاً «لا تعدّ و لا تحصی»، (۱۲) چه روحیه‌هایی، چه حالاتی، چه گذشتی [دارند]؛ این جز به برکت اسلام و جز برای فداکاری عظیم که یک فصل درخشان از کتاب قطور دفاع مقدّس است نبود. این هم این نکته. نکته‌ی پنجم؛ دفاع مقدّس برای کشور سرمایه‌سازی کرد و سرمایه‌های ارزشمندی را برای کشور به وجود آورد. آورده‌های دفاع مقدّس خیلی زیاد است. اولاً امنیت کشور به برکت دفاع مقدّس است؛ یعنی دفاع مقدّس نشان داد که هزینه‌ی تعرّض و تجاوز به این کشور خیلی زیاد است. این به برکت دفاع مقدّس ثابت شد؛ این، امنیت میدهد به یک کشور. وقتی یک ملت نشان داد که همّت و قدرت دفاع از خودش را دارد و پاسخ کوبنده به متجاوز میدهد، موجب میشود که متجاوز در تجاوز خودش به این کشور و این ملت تأمل کند و اگر بخواهد عاقلانه عمل کند، بفهمد که به صرفه‌اش نیست، برایش خیلی هزینه دارد؛ این امنیت مربوط به آن است. ثانیاً به ملت ما روحیه‌ی خودباوری داد. این خودباوری در بین جمع کثیری از مردم که خوشبختانه امروز شما در میدان علم و در میدانهای گوناگون - [یعنی] ساخت‌وساز و دیگر چیزها - گاهی مشاهده میکنید، عمدتاً به خاطر دفاع مقدّس است؛ یعنی فرض کنید که یک جوان بیست و چندساله با اقتدار تمام، با اطمینان به نفس تمام، یک جمعیتی را، یک لشکر را دنبال خودش راه می‌انداخت میرفت و به دشمن ضربه‌ی قاطع میزد؛ این به مردم احساس خودباوری میدهد، احساس اطمینان به نفس میدهد. و دفاع مقدّس توانست ثابت کند که ملت ایران از ورطه‌هایی مثل ورطه‌ی جنگ تحمیلی میتواند با سربلندی، سر بلند کند. بعد، این حرکت به سمت نوآوری فنی و علمی را هم ما در دفاع مقدّس به دست آوردیم؛ چون در دفاع مقدّس نیاز داشتیم به خیلی چیزها و در اختیارمان نبود، امکاناتش را نداشتیم و نیروهای مؤمن، فداکار رفتند به فکر اینکه درست کنند. مثلاً فرض کنید مرحوم شهید حسن آتهرانی [مقدم در همان اوقات، در یک بخشی این ماجرای موشک‌سازی را به یک شکلی راه انداخته بود که ایشان و دیگران به ما گفتند بیایید بازدید کنید؛ رفتیم آنجا دیدیم که بله اینها شروع کرده‌اند. خب ما احتیاج به موشک داشتیم، موشک هم به ما داده نمیشد، دشمن</p>			

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>هم موشک داشت، با موشک میزد، این ما را -یعنی نیروهای مستعد ما را- به فکر انداخت که یک کاری بکنند؛ و [این کار را] کردند و خویش را هم کردند و به بهترین وجهی هم از عهده برآمدند تا امروز که خب مشخص است. بنابراین، این هم حرکت به سمت نوآوری. اقدام به کارهای بظاهر نشدنی؛ این هم از چیزهایی بود که دفاع مقدس به ما یاد داد. دفاع مقدس این سرمایه را برای ما به وجود آورد که بدانیم بعضی کارها هست که بظاهر نشدنی است اما در واقع اگر همت کنیم، شدنی است؛ این را ما در دفاع مقدس یاد گرفتیم، این هم یکی از سرمایه‌های ما است. و از این گذشته سرمایه‌های انسانی ما را ارتقا داد؛ خوشبختانه از عناصر حاضر در هشت سال دفاع مقدس، بعدها -[یعنی] امروز و دیروز و ان‌شاءالله در آینده- افراد بی‌شماری در بخشهای مختلف و گوناگون کشور مشغول خدمتگزاری بوده‌اند و هستند که یک نمونه‌اش شهید سلیمانی عزیز ما بود که خب در عرصه دیپلماسی و بین‌المللی و مانند اینها، در منطقه یک فعالیت شگفت‌آوری داشت؛ یعنی واقعاً حالا هنوز دوستان و برادران مؤمن و ملت عزیز ایران از سعه و گستردگی کار شهید سلیمانی مطلع نیستند؛ از یک چیزهایی [مثل این] که در مثلاً فلان جبهه بوده و حضور داشته آگاهند؛ ریزه‌کاری‌های کار او خیلی بیش از این حرفها است که حالا شاید ان‌شاءالله در آینده این ریزه‌کاری‌ها بتدریج آشکار بشود. این یک سرمایه‌ی انسانی بود که در جنگ درست شد؛ یعنی پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها، در جنگ، در دوران دفاع مقدس گذاشته شد. این هم یک نکته. یک نکته‌ی دیگر در باب دفاع مقدس این است که ما را با ذات و واقعیت بزک‌شده‌ی تمدن غرب آشنا کرد؛ البته چون ملت ایران قبلاً لطمه خورده بود از غربی‌ها -از انگلیس‌ها یک جور، از آمریکایی‌ها یک جور- آشنا بودند تا حدودی اما نه به قدری که در دفاع مقدس دیده شد. البته در گذشته صحنه‌های زیادی بوده که ملت ایران عناد و خیانت دولتهای غربی را از نزدیک دیده بودند؛ مثل همین اشغال بخشهایی از کشور بعد از جنگ جهانی اول، اشغال بخشهایی بعد از جنگ جهانی دوم، شیطنتها و شرارتهای انگلیس‌ها در جنوب، در بوشهر و در خلیج فارس، در قضیه‌ی جنگ ایران و بعضی از قدرتهای دیگر و همین طور در قضیه‌ی افغانستان؛ دیده بودند خیانتهای دولتهای غربی را، اما نه به قدری که در دفاع مقدس دیده شد. آنچه در دوران دفاع مقدس دیده شد، اگر نگوییم بیشتر از آن چیزی بود که در گذشته در طول سالیان دراز از غربی‌ها دیده بودیم، کمتر [هم] نبود؛ برابری میکرد یا بیشتر بود. غرب با هر دو وجهش [علیه ما بود]؛ یعنی نه فقط غرب کاپیتالیست، غرب سرمایه‌داری، [بلکه] غرب کمونیست؛ چون کمونیسم هم از فراورده‌های غرب است. در هر دو وجه! یعنی انگلیس علیه ما در دوره‌ی جنگ فعالیت کرد، فرانسه علیه ما جداً فعالیت کرد، آلمان علیه ما جداً فعالیت کرد، یوگسلاوی هم که مال بلوک شرق بود علیه ما فعالیت کرد، شوروی هم که خب معلوم بود؛ یعنی همه‌ی غربی‌ها ما را از کمترین امکانات محروم میکردند -واقعاً از کمترین امکانات محروم میکردند- هیچ چیز در اختیار نداشتیم از خارج؛ حتی سلاح سبک، حتی مهمات خیلی آسان در اختیار ما قرار نمیگرفت، [اما] به طرف مقابل همه چیز میدادند؛ از میراث برای بمباران تا سوپراتاندارد برای زدن کشتی‌ها تا اطلاعات ماهواره‌ای برای آگاهی از مراکز تجمع نیروها و حرکت نیروهای ما، تا پول، تا تانک و انواع و اقسام، همه چیز در اختیار دشمن قرار دادند، تا سلاح شیمیایی؛ یعنی حتی سلاح شیمیایی هم دادند و صدام سلاح شیمیایی را، هم علیه ما به کار برد، هم علیه ملت خودش به کار برد؛ یعنی در حلبچه، صدام سلاح شیمیایی به کار برد و در کشور ما هم که فراوان؛ یعنی غرب، اروپا، روی همه‌ی ادعاهای انسان‌دوستانه و حقوق‌بشری خودش پا گذاشت، [آنها را] لگد کرد در قضیه‌ی تعامل با اینها؛ در دفاع از حکومت فاسد و دیکتاتوری ضدبشری صدام، همه‌ی ادعاهای خودش را تکذیب کرد. و این شناخت عمیق برای ما خیلی مغتنم است؛ یعنی واقعاً باید بدانیم و بفهمیم که غربی‌ها این هستند و با توجه به این آشنایی تصمیم بگیریم و فکر کنیم و کار کنیم. آخرین نکته‌ای که می‌خواهم عرض بکنم این است که یک اتفاق بزرگی در دفاع مقدس پیش آمد و آن اینکه توانایی‌ها و ظرفیتهای ملت ایران را برای دنیا آشکار کرد؛ یعنی رسانه شد.</p>			

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>رسانه‌های دنیا همه علیه ما بودند، رسانه‌های دنیا علیه انقلاب بودند؛ البته امروز هم همین جور است، آن روز هم همین جور بود. اوایل انقلاب، رسانه‌های رسمی دنیا یا دروغ می‌گفتند یا نقاط مثبت را کتمان می‌کردند یا تهمت می‌زدند [به همه] از شخص امام گرفته تا دولت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و آحاد مردم و قوه‌ی قضائیه و همه و همه، تا نیروهای مسلح، تا دیگران؛ دائم علیه اینها کار می‌کردند و می‌خواستند ملت ایران را در چشم مردم دنیا یک ملت ناپسندی معرفی کنند. دفاع مقدس، رسانه‌ی کاملاً رسایی شد، صدای بلندی شد برای اینکه حقایق را از ملت ایران نشان بدهد؛ وجهه درست کرد برای ملت ایران و شجاعت ملت را، مقاومت ملت را نشان داد به همه‌ی دنیا؛ این واقعاً اتفاق عجیب و مهمی بود؛ همبستگی ملّی ما را نشان داد، پشتیبانی‌های پشت جبهه‌ی ما را به دنیا نشان داد و اینها را همه فهمیدند، و دروغ‌پردازی‌های دشمن را روشن کرد. این چند نکته در باب دفاع مقدس. خب آنچه عرض کردیم نسبت به واقعیات دفاع مقدس خیلی کوچک و اندک است؛ بخشهای کوچکی را ما توانستیم تصویر کنیم. دفاع مقدس یک تابلوی عظیمی است، یک بخشهای کوچکی از این طرف و آن طرف را بنده حالا گفتم و دیگران هم تصویر کرده‌اند؛ ما خیلی بدهکاری داریم [نسبت] به دفاع مقدس. جنگ به طور طبیعی یک پدیده‌ی سهمگین و خشن است اما برای ما از این پدیده‌ی سهمگین و خشن هشت‌ساله، این برکاتی که من حالا چند موردش را شمردم حاصل شد؛ و [برکات] بیش از اینها است. یعنی ما از جنگ، بشارت به دست آوردیم، پیشرفت به دست آوردیم، طراوت به دست آوردیم؛ این جنگ با همه‌ی سختی‌هایش، با همه‌ی مشکلاتش، با همه‌ی ضایعاتی که در گوشه و کنار برای ما داشت، برای ما آورده داشت؛ حقیقتاً این جور است. و ادبیات جنگ، به طور کلی ادبیات بشارتی است؛ ببینید قرآن هم درباره‌ی شهدا می‌فرماید که «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». بشارت می‌دهند؛ بشارت می‌دهند به چه که دو آفت مهم را ناپستی داشته باشند و ندارند؛ یعنی نفی این دو آفت را بشارت می‌دهند؛ یکی ترس، یکی اندوه؛ هم ترس را، هم اندوه را نفی می‌کنند. به نظر من اگر ما نشاط اجتماعی می‌خواهیم، اگر امید و شادابی و سرزندگی می‌خواهیم، اگر طراوت در نسلهای جوانمان می‌خواهیم، باید به این گزاره‌ی ملکوتی و قرآنی ایمان بیاوریم؛ این «يَسْتَبْشِرُونَ» خیلی مهم است. خوف و حزن دو آفت بزرگ است برای یک ملت، برای یک جماعت، برای یک انسان. ترس و اندوه دو آفت بزرگ است؛ این دو آفت با بشارت قرآنی برداشته میشود؛ همچنان که اگر مقاومت هم بکنیم، این دو آفت برداشته میشود. آن هم [بیان] آیه‌ی قرآن است: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا؛ مقاومت هم همین جور است. اگر می‌خواهید خوف نداشته باشید، حزن نداشته باشید، مقاومت و استقامت را سرمشق کار خودتان قرار بدهید؛ آن وقت خوف هم نخواهید داشت، حزن هم نخواهید داشت؛ اینها گزاره‌های قرآنی است. البته باید بگویم ما در باب دفاع مقدس کوتاهی کرده‌ایم؛ البته این کارهایی که آقای سردار عزیزمان، رئیس ستاد بیان کردند کارهای بسیار خوب و کارهای بسیار بالارزشی است که انجام گرفته اما در عین حال کم است؛ ما به کارهای زیادی احتیاج داریم. ببینید، ما هر چه از لحاظ زمان از دفاع مقدس دور میشویم، از لحاظ معرفت باید به دفاع مقدس نزدیک‌تر بشویم؛ چرا؟ چون تحریف در کمین است، دستهای تحریف‌گر در کمینند. خب شماها که مردان جنگید الان حضور دارید، بالاخره شماها یک چیزی می‌گویید، یک دفاعی می‌کنید، اما بیست سال دیگر خیلی از این جمعیتی که امروز حضور دارند نیستند، سی سال دیگر عده‌ی بیشتری نیستند. دست تحریف، این بخش پُردرخش تاریخ ما را ممکن است مخدوش کند؛ لذا بایستی کار کنیم، معرفت ما بایستی زیاد بشود، ادبیات دفاع مقدس باید تقویت بشود. ادبیات دفاع مقدس هم یک گونه‌ی ادبی در قبال سایر ادبیات نیست؛ یعنی این جور نیست که ما ادبیات حماسی داریم، عشقی داریم، اجتماعی داریم، پلیسی داریم، یکی هم حالا مثلاً دفاع مقدس؛ نه، دفاع مقدس یک سرچشمه است، انواع و اقسام ادبیات را میشود از آن انتزاع کرد و استفاده کرد و از آن می‌جوشد؛ مثل یک چشمه‌ی</p>			

مستندات	مهم‌ترین محورها	موضوع	ردیف
<p>جوشنده است که انواع و اقسام ادبیات را می‌شود خلق کرد در آن؛ می‌شود متن‌های عالی تاریخی، اجتماعی، سیاسی، عشقی، خانوادگی را از روی ادبیات دفاع مقدس و آنچه برای دفاع مقدس تولید می‌شود ایجاد کرد. اما نکته‌ی مهم تولید متن است، ما احتیاج داریم به تولید متن. اگر متن خوب و فاخر تهیه شد، آن وقت نمایشنامه از روی آن درست می‌شود، فیلم سینمایی درست می‌شود، شعر درست می‌شود. مثلاً فرض کنید که شنیدیم از همین کتاب شهید خوش‌لفظ، یکی از شعرای متعهد کشور ما ده غزل درست کرده؛ خیلی خب اگر شعرای متعهد وارد بشوند، ده‌ها دیوان از این کتابهای دفاع مقدس ممکن است شعر درست کنند؛ شعر هنر بزرگی است، همین‌طور فیلم، همین‌طور سینما، آثار سینمایی و مانند اینها. در دنیا هم همین جور است. در دنیا شاید بخشی از بهترین آثار سینمایی دنیا اقتباس از نوشته‌ها و متنهای فاخر است؛ از رمانهای فاخر و نوشته‌های فاخری که قبل از آنها نوشته شده. از روی آنها می‌سازند. ما هم باید همین کار را بکنیم، باید این متنهای فاخر را تهیه کنیم، بر اساس این متنها فیلم به وجود بیاید، تئاتر روی صحنه برود و از این قبیل. بنابراین کار مهمی است. حالا در داخل کشور من شنیدیم که مثلاً فرض کنید آثار نویسنده‌های خارجی مثل ویکتور هوگو یا چارلز دیکنز را روی صحنه می‌برند، تئاتر اجرا میکنند. خیلی خب، کاری بکنیم که نوشته‌های ما هم در جاهای دیگر دنیا -اول در خود اینجا، بعد در جاهای دیگر دنیا- به صورت تئاتر روی صحنه برود و از آنها فیلم ساخته بشود؛ یعنی همت را باید این‌جوری بگذاریم روی تولید متنهای فاخر. یک بحث هم بحث یادواره‌ها است؛ یادواره بحث مهمی است، کار بزرگی است و این یادواره‌ها موجب می‌شود که فاصله‌ی نسلی به وجود نیاید و نسلهای جوان [با دفاع مقدس] آشنا بشوند که خود این تأثیر می‌گذارد در ساختن افرادی امثال شهید حججی مثلاً یا شهدای عزیز دفاع از حرم که این هم البته از برکات و دنباله‌های دفاع مقدس است. باز یکی از کارهای بسیار لازم، بزرگداشت و شخصیت‌پردازی شخصیت‌ها است. بعضی شخصیت‌ها البته مشاهیرند -مشاهیر ارتشی، مشاهیر سپاهی، مشاهیر نیروی انتظامی و بعضی‌هایشان مشاهیر مبارز که جزو اینها نبودند، بسیجی بودند- اما بسیاری‌ها از غیر مشاهیرند. خیلی از این شرح‌حال‌هایی که نوشته می‌شود، از افرادی است که هیچ شهرتی ندارند و از این قبیل زیادند اما کارهای بزرگ انجام دادند، مسائل مهمی به اینها منسوب است. برای یک شخص، یک بزرگداشت به وجود بیاید و درباره‌ی او بحث بشود، درباره‌ی او تحقیق بشود، مطالعه بشود، سخنرانی بشود و جزئیات زندگی او [به بحث] گذاشته بشود. البته بحث مدافعان حرم که من یک اشاره‌ای کردم، جزو بحثهای حیرت‌انگیز زمان ما است که حادثه‌ی بسیار مهمی است. رزمنده‌ی سوری و لبنانی و عراقی و ایرانی و افغانی، همه در کنار هم در یک صف واحد و برای یک هدف حرکت می‌کنند؛ این چیز عجیبی است؛ این جزو پدیده‌های بزرگ زمان ما است و البته از همان برکات دفاع مقدس است!<sup>۱</sup></p>			

<sup>۱</sup> . بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آیین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس ۱۳۹۹/۰۶/۳۱